

# The Hermeneutic Movement of Abbasids and the Cultural Revolution of Imam Hasan Askari

## Research Article

Emamat Pajouhi  
Tenth Year, Vol. 2  
Autumn & Winter 2020  
DOI:10.22034  
jep.2021.248130.1229  
jep.emamat.ir



Hamed Habibi<sup>1</sup> / Ahmad Sa'di<sup>2</sup> / Moslem Mohammadi<sup>3</sup>

### Abstract:

This paper tries to discuss how the hermeneutic movement was founded in the Abbasid period and to declare its motives and background and the manner of Imam 'Askari to contrast this event. The aim of the study is to find the function of the Abbasid regime and their hermeneutic method and social behavior of the elites and the actions and deeds done by the Imams and Shiites to confront the movement. After the Abbasid inauguration, an important movement was formed to translate the Greek and philosophical works. In this line, the Mu'tazilite received political support. Meanwhile, with the collaboration of foreign translators, especially the Christians, a hermeneutic movement founded and influenced the approach of all intellectual schools, even the Ahl al-Ḥadīth, the traditionalist, the opponents of Mu'tazilites, philosophers, and the reason-oriented currents. In this period, the oral system of Umayyad converted into the written one and this was the comprehensive plan to distort the religion and to eliminate the Shiite Imams. It should be noted, as the movement continued the acts of Shiite Imams and their companions. Imam 'Askari founded a written movement, which was unprecedented among the 250 years of the presence of Imams and contrasted the philosophical movement.

**Keywords:** The Translation Movement, The Hermeneutic Movement, Cultural Revolution, Written Culture, Abbasids, Imam 'Askari.

- 
1. M.A in Shiite Studies, University of Tehran. Hamed.Habibi@ut.ac.ir
  2. Assistant Professor, University of Tehran (Corresponding Author). a.saadi@ut.ac.ir
  3. Associate Professor, University of Tehran. mo.mohammadi@ut.ac.ir

## الحركة التأويلية (الهرمنوطيقية) في العصر العباسي والثورة الثقافية للإمام الحسن العسكري عليه السلام

حامد حبيبي<sup>١</sup> / أحمد سعدي<sup>٢</sup> / مسلم محمدي<sup>٣</sup>

مقالة محكمة

امامت پژوهشی  
السنة العاشرة  
العدد الثاني، خريف  
وشتاء سنة ٢٠٢٠  
jep.emamat.ir



### ملخص

تبحث هذه المقالة في كيفية تبلور الحركة التفسيرية في العصر العباسي والسبل والمناهج والأهداف التي وُجدت من أجلها وأصل نشأتها وكذلك أسلوب مواجهة الإمام الحسن العسكري عليه السلام لتلك الحركة.

وتهدف هذه الدراسة إلى معرفة ماهية النظام العباسي الحاكم والمناهج التفسيرية والسلوك الاجتماعي للمحافل الكلامية والمسؤولين آنذاك والإعلان عن الإجراءات التي اتخذها الإمام العسكري عليه السلام ومبادئ الإمام والأمة الفكرية في مواجهة الحركة المذكورة. فمع استيلاء العباسيين على مقاليد الحكم حدثت نهضة عظيمة في العالم الإسلامي شملت ترجمة الكتب اليونانية والمؤلفات الفلسفية، ومن الناحية الأخرى تعززت التيارات والمدارس الكلامية ومنها مدرسة المعتزلة، وفي خضم هذه الأحداث قامت حركة تفسيرية وتأويلية كبيرة بالاستعانة بالمترجمين الأجانب - ولا سيّما المسيحيين - حيث أثرت الحركة المذكورة في جميع المدارس الفكرية حتى مدرسة أهل الحديث والأصوليين والمعتزلة المخالفين والفلاسفة وكذلك التيارات المرتبطة بمدرسة الكلام العقلي. وخلال ذلك العصر تحوّلت الثقافة الأموية الشفهية إلى ثقافة عباسية مكتوبة، فكان ذلك هو البرنامج العام للخلفاء العباسيين من أجل تحريف الدين معنوياً وإبعاد الأئمة عليهم السلام - وهم الأوصياء الحقيقيون للرسول الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم - عن المجتمع الإسلامي. وتجدر الإشارة إلى أننا كلما تقدّمنا نحو المستقبل نجد تقدماً وتوسّعاً في التيار الفكري والثقافي للأئمة عليهم السلام وأصحابهم. وفي مقابل تلك التيارات فقد قام الإمام الحسن العسكري عليه السلام بثورة ثقافية مدوّنة فريدة على مدى (٢٥٠) سنة من حياة الأئمة عليهم السلام فكانت تلك بحق مواجهة جادة وحقيقية للحركة التفسيرية الفلسفية.

**الكلمات الدلالية:** حركة الترجمة؛ الحركة التفسيرية؛ الثورة الثقافية؛ الثقافة المكتوبة؛ العباسيون؛ الإمام الحسن العسكري عليه السلام.

١. ماجستير في علم التشيع في جامعة طهران؛ Hamed.Habibi@ut.ac.ir

٢. دكتور في علوم القرآن والحديث والفقه والمعارف الإسلامية، وأستاذ مساعد في جامعة طهران (الكاتب المسؤول)؛ a.saadi@ut.ac.ir

٣. دكتور في الكلام الإسلامي، طالب مساعد في جامعة طهران؛ mo.mohammadi@ut.ac.ir

# جنبش هرمنوتیکی عباسیان و انقلاب فرهنگی امام حسن عسکری علیه السلام\*

حامد حبیبی<sup>۱</sup>/ احمد سعدی<sup>۲</sup>/ مسلم محمدی<sup>۳</sup>

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی  
امامت پژوهی، سال دهم  
شماره دوم، شماره پیاپی ۲۸  
پاییز و زمستان ۹۹  
صفحه ۱۵۱ - ۱۰۹

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.248130.1229



copyright © the authors

## چکیده

مقاله حاضر در صدد بررسی چگونگی شکل‌گیری جنبش هرمنوتیکی در دوران عباسیان و روش‌ها، انگیزه‌ها و زمینه‌های پیدایش آن و نیز شیوهٔ مقابلهٔ امام عسکری علیه السلام با این جریان است. هدف از این مطالعه، شناخت عملکرد سیستم حاکم عباسیان و روش‌های هرمنوتیکی و رفتارهای اجتماعی جوامع کلامی و مسئولان وقت و کشف منشور اقدامات و رفتارها و مبانی فکری امام و امت در تقابل با این جنبش است. با روی کار آمدن عباسیان، نهضت بزرگی در دنیای اسلام، جهت ترجمهٔ آثار یونانی و فلسفی به راه افتاد. در ازای آن، جریان‌های کلامی از جمله معتزله تقویت شدند. در دل این ماجرا، به کمک مترجمان بیگانه - خصوصاً مسیحیان - جنبشی هرمنوتیکی و تأویل‌گرا شکل گرفت و رویکرد همهٔ مکاتب فکری، حتی اهل حدیث، سنت‌گرایان، مخالفان معتزله، فلاسفه و جریان‌های وابسته به کلام عقلی نیز به تأویل‌گرا گرایش یافت. در این دوره، فرهنگ شفاهی امویان به فرهنگ مکتوب عباسیان تبدیل شد و این مهم، برنامهٔ جامع حاکمیت عباسی برای تحریف معنوی

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۵.

۱. کارشناس ارشد شیعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ Hamed.Habibi@ut.ac.ir
۲. دانشیار، دانشکدهٔ الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)؛ a.saadi@ut.ac.ir
۳. دانشیار، دانشکدهٔ الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ mo.mohammadi@ut.ac.ir

دین و طردنمودن امامان شیعه علیهم‌السلام و جانشینان حقیقی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جامعه بود. لازم به ذکر است که هرچه به سوی آینده پیش می‌رویم، موج فکری- فرهنگی ائمه شیعه علیهم‌السلام و اصحاب ایشان نیز گسترده‌تر می‌شود. امام عسکری علیه‌السلام در مقابل این جریان و توطئه دشمنان، انقلاب فرهنگی مکتوبی به راه انداخت که در تاریخ ۲۵۰ ساله امامان شیعه بی‌نظیر بود و با جنبش هرمنوتیک فلسفی، مقابله جدی نمود.

**کلیدواژه‌ها:** نهضت ترجمه، جنبش هرمنوتیکی، انقلاب فرهنگی، فرهنگ مکتوب، عباسیان، امام عسکری علیه‌السلام.

## مفهوم‌شناسی

واژه هرمنوتیک اصطلاح علمی معاصر است که با توجه به شباهت شرایط به وجود آمده در عصر عباسیان و سنت هرمنوتیک در دوران معاصر، این پژوهش این مفهوم را به اعصار گذشته نیز تعمیم داده است. البته فلسفه ذاتاً رویکرد هرمنوتیک یا تأویل‌گرایی را با خود حمل می‌کند و این دو همزاد یکدیگرند و در گذشته، سوفسطاییان نیز از همین فن استفاده می‌کردند.

واژه «هرمنوتیک» (cituennemreh) از ریشه یونانی «neiuenemreh» است

که آن را به معنای «تأویل» بازگردانده‌اند.<sup>۱</sup>

«هرمنوتیک» از فعل «هرمنوتین» به معنای تفسیرکردن و از اسم «هرمنیا» به معنای تفسیر اخذ شده است.<sup>۲</sup> این واژه در قرون وسطی به معنای دانش تفسیر و فهم کتاب مقدس بود.<sup>۳</sup> ارسطو رساله‌ای را در ارغنون به نام «باری ارمیناس» به این موضوع اختصاص داد.<sup>۴</sup> این جریان به پیدایش نظریه‌ای انجامید که زبان دین را زبانی ویژه می‌داند.<sup>۵</sup> بنا بر مبانی هرمنوتیک فلسفی،

هدف تفسیر متن، دریافتن مراد مؤلف آن نیست... و پیش‌داوری‌های

مفسر، شرط وجودی فهم‌اند.<sup>۶</sup>

گادامر معتقد است که هیچ فهمی بدون پیش‌فرض نیست و گرایش‌ها و دیدگاه‌ها و انتظارات مفسر در فرایند فهم دست دارند.<sup>۷</sup> فرایند فهم از طریق گفتگویی میان مفسر یا مترجم و متن به دست می‌آید.<sup>۸</sup> در این گفتگو، افق فکری

۱. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص ۴۷۰.

۲. رک: حسن، ماهر عبدالمحسن، جادامر مفهوم الوعي الجمالي، ص ۵۵.

۳. رک: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص ۴۷۰.

۴. رک: محمدی، مسلم، نسبی‌گرایی اخلاقی.

۵. رک: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص ۱۹۴.

۶. همان، ص ۴۷۲.

۷. رک: همان، ص ۴۷۱.

۸. رک: واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۲۱۸.

مفسر با افق معنایی متن درمی‌آمیزد و معانی جدیدی از آن میان برمی‌خیزند که مراد مؤلف متن نیست.<sup>۱</sup>

## طرح مسئله

با ترجمه آثار یونانی و سریانی در زمان عباسیان، یک نهضت ترجمه با حمایت‌های حکومتی شکل گرفت. بعد از رحلت پیامبر ﷺ، خلفا با نقل احادیث نبوی<sup>۲</sup> و فرهنگ مکتوب مخالفت کردند.<sup>۳</sup> سوزاندن احادیث<sup>۴</sup> و منع تدوین حدیث<sup>۵</sup> و تداوم این سیاست فرهنگی در دوره بنی‌امیه<sup>۶</sup> تا اوایل قرن دوم هجری که ممنوعیت تدوین حدیث رسماً لغو شد،<sup>۷</sup> ولع محدثین و مورخین را برای استقبال از فرهنگ مکتوب بیشتر نمود. احتمالاً این تغییر در سیاست فرهنگی، مطالبه عموم جامعه بوده است.<sup>۸</sup>

اما این تحولات، زمانی رخ داد که دیگر صحابه رسول خدا ﷺ در قید حیات نبودند و تاریخ و احادیث، متأثر از فرهنگ شفاهی حاکمیتی در فرهنگ مکتوب ثبت و ضبط گردید. به هر صورت، پویایی برای فرهنگ مکتوب به راه افتاد. منصور

۱. رک: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص ۴۷۱.
۲. رک: ذهبی، محمد، تذکره الحفاظ، ۹/۱.
۳. رک: متقی هندی، علی، کنز العمال، ۱۹۹/۱-۲۰۰؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۹۴/۱۸؛ دارمی، عبدالله، سنن، ۴۱۲/۱.
۴. رک: متقی هندی، علی، همان، ۲۸۵/۱۰-۲۸۶؛ ذهبی، محمد، همان، ۱۰/۱-۱۱؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مقدمه، ص ۹.
۵. رک: ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ۱۴۳/۵؛ متقی هندی، علی، همان، ۲۹۲/۱۰؛ ذهبی، محمد، همان، ۱۲/۱؛ حر عاملی، محمد بن حسن، همان، مقدمه، ص ۱۰-۱۲.
۶. رک: ذهبی، محمد، همان.
۷. رک: بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ۲۰۲/۸.
۸. در پژوهش دانشگاه کمبریج، در بیان علت انقراض سلسله اموی آمده است: «ریشه همه نهضت‌های ضد اموی، پیداشدن این اندیشه بود که چاره همه دردها، بازگشت به اوضاع و احوال آغاز اسلام و پیروی درست از احکام و سنت پیغمبر است» (هولت، پی. ام. و دیگران، تاریخ اسلام، ص ۱۵۶).

در این زمینه بیشتر دنباله‌رو امویان بود؛ چون توجه او به طب و نجوم معطوف بود. اما از زمان هارون و مأمون و با تأسیس «بیت الحکمة»، توجه به حکمت و فلسفه اوج گرفت. اگرچه ممکن است ترجمه آثار مربوط به طب و نجوم و طبیعیات و ریاضیات، دنیای اسلام را بهره‌مند ساخته باشد، اما به همان میزان هم ترجمه آثار فلسفی و یونانی می‌توانست برای جامعه اسلامی خطرآفرین باشد. مقاله حاضر به تهدیدات این نهضت پرداخته است.

در پی جویی علل و انگیزه‌های زیرین این نهضت، دو مسئله بیشتر به چشم می‌خورد. یکی به حاکمیت برمی‌گردد که آن مقابله با ائمه و اهل بیت علیهم‌السلام و کلام شیعی است تا توجه اندیشمندان و متکلمان جامعه را از این شخصیت‌های برجسته و خوش‌نام زمان و در واقع رقبای اصلی خود در امر حکومت برگردانند و آنها را سرگرم مباحث نظری نو نمایند. در همین راستا روایان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را دستگیر و حبس و شکنجه نمودند تا مخفیگاه دیگر روایان و شیعیان و محل پنهان ساختن احادیث را فاش کنند.<sup>۱</sup>

انگیزه دیگر مربوط به اهداف بیگانگان و مسیحیان است که برای مقابله با اسلام و خدشه دار ساختن محوریت قرآن و کلام ائمه شیعه علیهم‌السلام، در دل حکومت اسلامی جا خوش کرده و به ترجمه آثار غربی مشغول بودند. از جمله مترجمان مسیحی کتب منطق و الهیات ارسطویی<sup>۲</sup> و دیگر آثار فلاسفه یونان، می‌توان به افرادی چون «حنین بن اسحاق»،<sup>۳</sup> «حبیب بن حسن اعسم نصرانی»،<sup>۴</sup> «یوحنا بن بطریق القس»،<sup>۵</sup> «حجاج بن مطر»<sup>۶</sup> و «ابویشرمتی بن یونس»<sup>۷</sup> اشاره نمود. در حالی که قرآن

۱. رک: کشی، محمد بن عمر، رجال، ۸۵۴/۲؛ نجاشی، احمد بن علی، رجال، ص ۳۲۷.

۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ص ۳۴۷-۳۵۲.

۳. همان، ص ۴۰۹-۴۱۰.

۴. همان، ص ۴۱۴.

۵. همان، ص ۳۹۳.

۶. همان، ص ۳۴۱، ۳۵۲.

۷. همان، ص ۳۶۸-۳۶۹.

پیروان خود را از مراودات دوستانه (اعتقادی و سیاسی) با مسیحیان و یهودیان نهی کرده است،<sup>۱</sup> شاهد این‌گونه مراودات اجتماعی خسارت بار در جامعه اسلامی، تحت نظر حاکمیت جامعه هستیم. با توجه به قرائن تاریخی دخالت دانشمندان مسیحی در امور حاکمیتی دستگاه عباسیان و ارتباط نزدیک آنان با خلفای عباسی به گزارش ابن قفطی و جرجی زیدان و دیگر مورخان،<sup>۲</sup> بسیار ساده لوحانه است که در چنین محیط آلوده و شرایط مسمومی، مثبت‌اندیشانه نسبت به مراودات حکمای عباسی با دانشمندان مسیحی و یهودی در نهضت ترجمه بنگریم. بنابراین مراودات علمی دانشمندان در دستگاه خلافت عباسی هم یکی از شیوه‌های نفوذ گسترده مسیحیان در مرکز خلافت دنیای اسلام و تصمیم‌سازی برای آینده امت اسلام است. این اقدام خسارت بار عباسیان بر خلاف «قاعده نفی سبیل»<sup>۳</sup> بود و سبب نفوذ و غلبه فرهنگی دشمن بر جامعه اسلامی شد.

در خلال این نهضت، یک جنبش «هرمنوتیکی» یا «تأویل‌گرایی»<sup>۴</sup> با هدف فروکاست معارف قرآنی و آسمانی شکل گرفت و در مقابل، اصحاب ائمه علیهم‌السلام با هدایتگری امامان شیعه به تبیین کلام شیعی پرداختند. «هشام بن حکم»<sup>۵</sup> از اخص اصحاب

۱. مائده: ۵۱؛ بقره: ۱۲۰.

۲. رک: ابن قفطی، علی بن یوسف، تاریخ الحكماء، ص ۱۹۹، ۲۹۷؛ زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ص ۵۸۳-۵۸۴.

۳. نساء: ۱۴۱.

۴. پذیرش تأویل متشابهات بر این آیه مبتنی است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران: ۷). این آیه گواهی می‌دهد، در قرآن آیاتی هست که اسرار و معانی عمیقی دارد؛ ولی افرادی که افکارشان منحرف است، با تکیه بر آیات متشابه، از پیش خود معنای نادرستی برای آن می‌سازند و آیات را به شکلی غیر از آنچه هست، منعکس می‌کنند. این آیه، با قرائت واو عطف در «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»، تأویل را از آن خدا و در طول آن، از آن «راسخون در علم» می‌شمارد. در روایات متعددی، پیامبر و ائمه هدی علیهم‌السلام راسخون در علم شمرده شده‌اند (جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ۱/۴۲۶).

۵. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ص ۳۱۸، ۳۴۵.



امام صادق و امام کاظم علیهما السلام و از متکلمین بزرگ شیعه،<sup>۱</sup> در تقابل با تفکر فلسفی ارسطویی، کتابی با عنوان «الرد علی ارسطالیس فی التوحید»<sup>۲</sup> و در تقابل با معتزله و جبریه و قدریه نیز کتاب‌هایی با عناوین «الجبر و القدر» و «الرد علی المعتزله»<sup>۳</sup> می‌نویسد. فضل بن شاذان، از اصحاب امام عسکری علیه السلام نیز کتبی در رد مدعیان فلسفه، مرجئه، باطنیه و قرامطه، دامغه، مثلثه و منانیه و غلات تألیف و تصنیف نمود.<sup>۴</sup> هرچه به سوی آینده پیش می‌رویم، موج فکری- فرهنگی شیعه و اصحاب ائمه علیهم السلام نیز در مقابله با این جریان گسترده‌تر می‌شود. در زمان امام عسکری علیه السلام، این رویارویی و تقابل فرهنگی، توسعه اجتماعی پیدا کرد که تأثیر بسزایی در آینده جهان بشریت داشت و دارد. بحث فلسفه تاریخ در این دوران از جهتی متأثر از تطورات تاریخی ماقبل خود و درگیری جبهه حق و باطل در گذشته و از حیث دیگر اثرگذار بر تحولات آینده بشریت در راستای سیر تکاملی تاریخ می‌باشد.

مسئله اصلی، نه چیستی و چرایی تأویل‌گرایی و تأویل‌گرایان و نه بررسی جواز و عدم جواز تأویل و معرفی راسخون در علم است! بلکه مسئله، چگونگی شکل‌گیری و نهادینه‌شدن جنبش هرمنوتیکی و کشف شیوه مقابله امام عسکری علیه السلام با این جنبش است. یکی از اهداف مهم این تحقیق هم اعتبار از تاریخ و تطبیق اعصار با یکدیگر از جهت شناخت عملکرد سیستم حاکم و رفتارهای اجتماعی جوامع و مسئولان وقت و کشف منشور اقدامات و رفتارها و مبانی فکری امام و جامعه مؤمنین در تقابل با این جنبش است. نکته مورد اهمیت دیگر، انگیزه‌ها و زمینه‌های ایجاد این انحرافات و جریانات می‌باشد که ممکن است عواملی مانند دولت و حاکمیت وقت و ضعف اعتقادات دینی مردم و مسائل جامعه شناختی در آن دخیل باشد. بنابراین، بررسی این جنبش و انگیزه‌ها و زمینه‌های پیدایش آن و شیوه مقابله امام عسکری علیه السلام با آن، مسئله مورد توجه می‌باشد.

۱. حلی، حسن بن یوسف، رجال، ص ۱۷۸.

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ص ۴۳۳.

۳. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ص ۴۹۴.

۴. همان، ص ۳۶۱-۳۶۲.

این مقاله در دو بخش تدوین شده است. بخش اول مربوط به تبیین جنبش هرمنوتیکی عباسیان و بخش دیگر مربوط به مبارزه فرهنگی امام عسکری علیه السلام با جنبش هرمنوتیکی در تقابل با این جنبش است.

## ۱. جنبش هرمنوتیکی عباسیان

بحث از نهضت ترجمه و فرهنگ مکتوب و جریان‌های حدیثی و کلامی عقلی، غیرمستقیم با جنبش هرمنوتیکی در ارتباط است؛ چراکه زمینه‌سازی و القاگری اندیشه هرمنوتیکی در این بستر صورت پذیرفت و روش‌های هرمنوتیکی را در این عصر باید جستجو نمود. به همین جهت در ادامه به بررسی پدیدارشناسانه این پدیده‌ها می‌پردازیم.

### ۱-۱. نهضت ترجمه

ترجمه کتب یونانی و سریانی به عربی در زمان عباسیان امری اتفاقی یا از روی حکمت جویی و علم‌دوستی نبود؛ بلکه منشأ سیاسی (و اعتقادی) داشت و خلفای عباسی (به‌ویژه مأمون) آگاهانه از غیرمسلمانان و بیشتر از غیرایرانیان بهره می‌گرفتند و از اسقف‌ها و کشیشان مسیحی استفاده می‌کردند. از این رو می‌بینیم که در انتشار کتب فلسفه، بیشتر آثار ارسطو ترجمه شده است؛ زیرا بینش عرفانی و اشراقی افلاطونی و فلوطینی به (باطنیان) شیعه نزدیک بود و به همین سبب بعدها دست‌مایه اسماعیلیان قرار گرفت.<sup>۱</sup>

حکومت امویان فراری در اندلس نیز (که از نفوذ باطنیه به دور نمانده بود)، سعی در رقابت با عباسیان داشت و به همین سبب به ترویج علوم و فنون، از جمله حکمت و فلسفه می‌پرداخت. یکی از خلفای این سلسله (حکم دوم/ ۳۵۰-۳۶۵ ق) در رقابت فرهنگی با عباسیان کتابخانه‌ای بزرگ بنا کرد و از هر سو کتاب‌های علمی برای آن فراهم آورد و به گردآوری حکما و علما پرداخت.<sup>۲</sup> به این ترتیب

۱. رک: صدرالدین شیرازی، محمد، مظاهرالالهیه، مقدمه مصحح، ص ۲۱۲.

۲. رک: همان، مقدمه مصحح، ص ۲۴۶.

نهضت بزرگی در دنیای اسلام در جهت ترجمه آثار یونانی و فلسفی به راه افتاد که می‌توانیم از آن به انقلاب فرهنگی و استحاله فکری جامعه تعبیر کنیم.

بیشتر محققان، سیر تحول نهضت ترجمه در عصر عباسیان را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

از سال ۱۳۶ تا ۱۹۳	از سال ۱۹۸ تا سال ۳۰۰	از سال ۳۰۰ تا نیمه اول قرن چهارم
از خلافت منصور تا وفات هارون نخستین گام‌های نهضت ترجمه با احداث کتابخانه «بیت الحکمة» در بغداد و ترجمه کتبی در زمینه نجوم، پزشکی و سیر الملوک برداشته شد.	با خلافت مأمون آغاز و به خلافت مقتدر ختم شد. این دوره عصر طلایی نهضت ترجمه و رونق بیت الحکمة بود. توجه به علوم عقلی و کلامی و ترجمه عمده آثار ارسطو و افلاطون و دیگر فلاسفه یونانی از ویژگی‌های این عصر است.	این دوره به رغم تلاش‌های فراوان نخبگان بلندمرتبه فن ترجمه، عصر افول نهضت ترجمه عباسیان به شمار می‌آید.

ادوارد براون ادعا می‌کند:

ترجمه کتب یونانی به عربی به طور مستقیم یا با واسطه ترجمه‌های سریانی... به دست اشخاصی که غالباً نه عرب بودند و نه مسلمان، بلکه به وسیله سریانی‌ها و عبرانی‌ها یا احياناً ایرانیان مؤمن به کیش مسیح و یهود و دین زردشت صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

البته سامی‌نشار با بیان دلایلی خاص، ادعا می‌کند که احدی از یهودیان در نهضت ترجمه عباسیان مشارکت نداشته است؛<sup>۲</sup> هرچند ابن‌ندیم در «فهرست» از یک یهودی به نام «ماشاء الله بن اثری»<sup>۳</sup> یا «میشا بن ابری» در دوره منصور و مأمون

۱. براون، ادوارد، تاریخ طب اسلامی، ص ۳۴.

۲. رک: نشار، علی سامی، نشأة الفكر الفلسفي في الاسلام، ۷۸/۱.

۳. ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ص ۳۸۲.

نام می‌برد. بازار ترجمه در این دوران آن‌چنان گرم بود که دکتر الگود می‌نویسد:  
معرفی همه مترجمانی که در بار مأمون خدمت کرده‌اند، خسته‌کننده  
و بی‌فایده است. لکلرک در جلد دوم از کتاب تاریخ طب عرب، از  
۱۰۱ نفر به طور مجمل نام برده است.<sup>۱</sup>

«از مهم‌ترین علل رواج نهضت ترجمه، تشویق خلفای عباسی برای ترجمه کتب  
فلسفی یونان بود».<sup>۲</sup> به دستور خلفا کتاب‌های فلسفی بسیاری لابه‌لای کتاب‌های  
علمی از زبان یونانی به عربی ترجمه شد. آنان به این وسیله گرایش‌های فکری  
و فرقه‌ای تازه‌ای بین مسلمانان ایجاد کردند و آنها را با افکار فلسفی و جدال با  
یکدیگر سرگرم نمودند تا از فراگرفتن معارف اصیل اسلامی، که فقط از طریق ائمه  
معصومین علیهم‌السلام امکان پذیر بود، باز دارند.<sup>۳</sup> بزرگ‌ترین خطر از دیدگاه خلفا برای  
ادامه سلطه و حکم‌فرمایی‌شان - که با زور و تزویر در جایگاه رهبری جهان اسلام  
نشسته بودند - همان توجه و اقبال مردم به جانشینان واقعی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، یعنی  
امامان شیعه بود.

به این ترتیب کتاب‌های فلسفی فراوانی به امر خلفای عباسی (به خصوص مأمون  
که «هم‌وزن هر کتاب ترجمه شده‌ای، به مترجم طلا می‌داد»<sup>۴</sup>)، از زبان یونانی به  
عربی ترجمه شد و در میان مسلمانان منتشر گردید. ابن ندیم در «فهرست» نقل کرده  
است که دلیل ترجمه کتب فلاسفه یونان و خصوصاً ارسطو، خوابی بود که مأمون  
در مورد ارسطو، فیلسوف بزرگ یونان باستان دید.<sup>۵</sup> به‌رحال «با گسترش نهضت  
ترجمه در خلافت عباسیان، تفکر ارسطویی، افلاطونی و نوافلاطونی به جهان اسلام  
وارد گردید».<sup>۶</sup> وقتی یک شخصیت مانند ارسطو آن قدر از سوی حاکمیت مورد

۱. الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران، ص ۱۴۱.

۲. منتصب مجابی، حسن، بررسی متون طب شیعه در تاریخ پزشکی، ص ۶۵.

۳. رک: همان.

۴. رازی، محمد بن زکریا، قصص و حکایات المرضی، ص ۱۰۳.

۵. رک: ابن ندیم، محمد بن اسحاق، همان، ص ۳۳۹.

۶. علوی عاملی، محمد، علاقة التجريد، مقدمه، ص ۳۲.

توجه و اقبال و نیز پذیرش افراد جامعه قرار می‌گیرد، قطعاً لوازم اندیشه‌ او، مانند شیوه تفسیر و تأویل‌گرایی را نیز به جامعه قبولانده‌اند.

## ۲-۱. علل پیدایش کلام عقلی

در اواخر سلطنت امویان و اوایل عهد عباسیان، فلسفه یونان به زبان عربی ترجمه شد و میان علمای اسلام انتشار یافت. مباحث عقلی بر سر زبان‌ها جاری و در مجالس مختلف وارد شد.<sup>۱</sup> دربار عباسیان مملو از حکما و فلاسفه بود و دامنه علوم عقلی در این دوره بسط پیدا نمود.<sup>۲</sup> مهدی عباسی (پدر هارون الرشید) به جدلیین حکم کرد که در جواب شبهاتی که بر اسلام وارد می‌کنند، کتاب‌هایی بنویسند.<sup>۳</sup> شبلی نعمانی معتقد است که در مقابل این نهضت ترجمه، علم کلام عقلی ابداع شد که هدف اصلی آن، مقابله با فلسفه یونانی بود.<sup>۴</sup> البته آشنایی جامعه اسلامی با واژه «کلام» و «متکلم» به قرن دوم هجری و پیش از مأمون عباسی برمی‌گردد که حاکی از شناخته شده بودن آن بین مسیحیان و مسلمانان است. در ماجرای مناظره جاثلیق و هشام بن حکم راجع به اسلام و مسیحیت، این عبارت آمده است:

فَقَالَ لَهُ: مَا بَقِيَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَحَدٌ مِمَّنْ يُذَكِّرُ بِالْعِلْمِ بِالْكَلامِ إِلَّا وَ  
قَدْ نَاطَرْتُهُ فِي النَّصْرَانِيَّةِ فَمَا عِنْدَهُمْ شَيْءٌ وَقَدْ جِئْتُ أَنَاظِرُكَ فِي  
الْإِسْلَامِ ...<sup>۵</sup>

هم چنین ابن ابی عوجا در مقابل امام صادق علیه السلام گفت:

فَأِنِّي شَاهَدْتُ الْعُلَمَاءَ وَنَاطَرْتُ الْمُتَكَلِّمِينَ فَمَا تَدَاخَلَنِي هَيْبَةُ قَطُّ  
مِثْلُ مَا تَدَاخَلَنِي مِنْ هَيْبَتِكَ.<sup>۶</sup>

۱. رک: طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۵/۱.

۲. رک: شبلی نعمانی، محمد، تاریخ علم کلام، ص ۱۳.

۳. رک: همان، ص ۲۵.

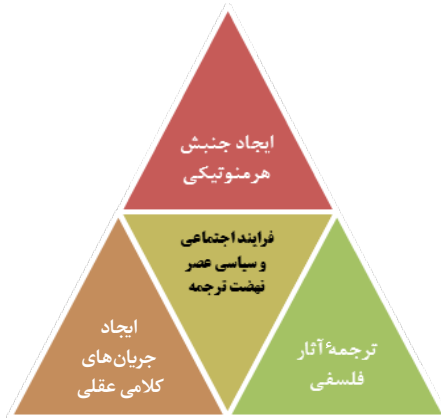
۴. همان، دیباچه، ص ۱۲.

۵. صدوق، محمد بن علی، توحید، ص ۲۷۱.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۷۶/۱.

به هر صورت،

با آغاز قرن سوم و حکومت مأمون و در فضای باز علمی و در پرتو نهضت ترجمه، بازار کلام، فلسفه و علوم، گرم شده بود.<sup>۱</sup> در عصر عباسیان شعار آزادی اندیشه و آزادی بیان بدون بسط معنا و قاعده‌مندی، در تضعیف شیعه و تقویت مخالفان شیعه، توسعه عمومی پیدا کرد. تا پیش از آن و در دوره بنی‌امیه، آزادی مذهبی وجود نداشت<sup>۲</sup> و مباحثات و مناظرات میان خود مسلمانان محدود و مغفول مانده بود. اما در عهد عباسیان با دگرذیسی فرهنگی جامعه، این دایره بسیار وسیع شد. همین عامل، شوک فرهنگی بزرگی به جامعه وارد ساخت و به واسطه این نهضت ترجمه، اضطراب و تشتت فکری بر جامعه مسلمین حاکم شد و در دوره مأمون این اضطراب به اوج خود رسید. خیلی دور از انتظار است که حاکمی به دانایی مأمون، برای یک خواب، اضطراب فکری در مملکت خود ایجاد کند. به نظر می‌رسد که مسئله مثلث هگلی طی یک فرایند اجتماعی-سیاسی در جامعه در حال وقوع بوده است:



✓ تز: ترجمه آثار فلسفی و ایجاد التهاب فکری.

✓ آنتی‌تز: ایجاد و تقویت جریان‌های کلامی عقلی مانند معتزله برای تشدید تشتت فکری.

۱. فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تشیع، ص ۵۱.

۲. رک: ذهبی، محمد، تذکره الحفاظ، ۱۲/۱؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ۲۰۲/۸.

✓ سنتز: ایجاد جنبش هرمنوتیکی بین اصحاب حدیث و سنت‌گرایانی مانند محمد بن اسماعیل جعفری بخاری (صاحب صحیح بخاری) و مسلم بن حجاج نیشابوری (صاحب صحیح مسلم).  
محمدتقی مدرسی معتقد است:

حکومت و نظام بنی‌عباس، همان عاملی بود که مردم را به خارج شدن از اسلام و امی داشت و نظریات اسلامی را تنها در جهت منافع خود به کار می‌بست. مأمون عباسی نیز چون خلفای پیشین، کوشید تا با استعانت از اندیشه‌های غربی و شرقی، توازن اندیشه اسلامی را از راه تزریق افکار ارسطو و افلاطون و نظایر آنها به اندیشه‌ها و عقاید و علم کلام اسلامی برقرار سازد.<sup>۱</sup>

پی. ام. هولت و دیگران در تاریخ اسلام کمبریج می‌نویسند:

مأمون به سفارش یکی از معتزلیان مشهور، بیت‌الحکمة معروف خود را تأسیس کرد که به ترجمه آثار فلسفی یونانی اختصاص داشت و معتزلیان روش‌های استدلال خویش را از آنها اخذ می‌کردند.<sup>۲</sup>

به عقیده شبلی نعمانی، کتاب‌های ضالّه ترجمه شده در جهان اسلام منتشر شد و عقیده مردم متزلزل گردید.<sup>۳</sup> وقتی در سیستم مدیریت فرهنگی، ممیزی از سیستم نظارتی جامعه حذف شود، هر بدعت باطلی در قاموس فرهنگ جامعه جای می‌گیرد. مسعودی، تاریخ‌نگار بزرگ، در «مروج الذهب» می‌نویسد:

عبدالله بن مقفع و دیگران از زبان‌های فارسی و پهلوی کتب مانی، ابن‌ویسان و نیز مرقیون (ائمه مجوس) را ترجمه نمودند و به علاوه از میان مسلمانان ابن‌ابی‌عوجا، حماد عجرد، یحیی بن زیاد و مطیع بن ایاس در تأیید آن کتب، کتاب‌هایی تألیف نمودند و نتیجه این شد که مردم وقتی چشم باز کردند که دیدند در جامعه اسلامی

۱. مدرسی، محمدتقی، امامان شیعه، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۲. هولت، پی. ام و دیگران، تاریخ اسلام، ص ۱۸۲.

۳. رک: شبلی نعمانی، محمد، تاریخ علم کلام، ص ۲۴.

زندقه و الحاد منتشر گردیده و رشد یافته است.<sup>۱</sup>

### ۳-۱. هرمنوتیک دینی، از ایده تا عمل

به گزارش رودلف بولتمان، پژوهشگر مسیحی قرن بیستم در کلام مسیحی، هرمنوتیک و تأویل‌گرایی در مسیحیت، اولین بار توسط یک یهودی تازه‌مسیحی شده به نام «شائول»<sup>۲</sup> یا «پولس» شکل گرفت.<sup>۳</sup> از اولین قرائت‌های هرمنوتیکی او، قرائتی متفاوت از جانشینی مسیح بود.<sup>۴</sup> شاید با توجه به انگیزه‌های حاکمیت در نهضت ترجمه، دلیل این‌که در جنبش هرمنوتیکی از اسقف‌ها و کشیشان مسیحی استفاده شد،<sup>۵</sup> همین سابقه هرمنوتیکی موفقیت‌آمیز آنان در تأویل اناجیل و پیام‌های الهی بود.

در عصر امام عسکری علیه السلام اوج جنبش هرمنوتیکی در فرهنگ مکتوب عباسیان و در دل نهضت ترجمه را شاهدیم. وقتی شناخت مسائل و مبانی «اتیمولوژی»<sup>۶</sup>

۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ۱۷۳/۲.

۲. پائولس یا شائول، یهودی فریسی و ضد مسیح بود که مسیحیان را شکنجه و کلیسا را معذب می‌نمود (رک: عهد جدید، اعمال رسولان، فصل ۸، سفر ۱-۳ و فصل ۹، سفر ۱-۲). او حافظ و مفسر تورات و فیلسوف تمام‌عیاری بود که توانست تعالیم فلسفه یونانی را وارد دین کند (رک: بحرانی، هاشم، البرهان، ۸۷۳/۴: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۳۷۳/۲۵).

۳. رودلف بولتمان، متکلم قرن بیستم مسیحی، معتقد است برای استفاده از زبان و پیام‌های انجیل، باید آنها را تأویل کرد که از آن به هرمنوتیک تعبیر می‌کند و روش این هرمنوتیک را اسطوره‌زدایی می‌نامد (بولتمان، رودلف، مسیح و اساطیر، ص ۱۷، ۴۸). به عقیده بولتمان، پولس و یوحنا اولین افرادی بودند که معارف انجیل و کتاب مقدس را تأویل و اسطوره‌زدایی کردند (همان، ص ۴۳-۴۵).

۴. رک: عهد جدید، انجیل یوحنا، فصل ۲۱، اسفار ۱۵-۱۸؛ انجیل متی، فصل ۱۶، سفر ۱۹؛ غلاطیان، فصل ۱، سفر ۱۸ و فصل ۲، سفر ۷-۸؛ انجیل متی، باب ۲۸، سفر ۱۹-۲۰؛ انجیل مرقس، فصل ۱۶، سفر ۱۵؛ انجیل لوقا، فصل ۲۴، سفر ۴۷.

۵. رک: ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ص ۳۴۷-۳۵۲؛ صدرالدین شیرازی، محمد، مظاهر الالهیه، مقدمه مصحح، ص ۲۱۲.

۶. واژه اتیمولوژی (etymology) به معنای ریشه‌شناسی است و در علم زبان‌شناسی و اشتقاق لغات به معنای بررسی ریشه کلمات و مطالعه تاریخی واژه‌ها و بررسی تحول شکل واژه‌ها می‌باشد. می‌توان معنای لغوی اتیمولوژی را «شناخت معنای واقعی» دانست.



نادیده گرفته شود، و به اصول و قواعد فهم متن و بحث روش‌شناسی متن توجهی نشود، فیلسوفانی مانند «یعقوب بن اسحاق کندی»<sup>۱</sup> که از محصولات نهضت ترجمه عباسی بودند،<sup>۲</sup> اقدام به تفسیر قرآن و کشف تناقضات آن می‌کنند.<sup>۳</sup> کندی که مقرب درگاه عباسیان (مأمون و معتصم و فرزندش، احمد) بود،<sup>۴</sup> با حمایت «معتصم»، خلیفه عباسی، اقدام به نشر فلسفه و ارزش‌گذاری بر آن و تبیین لزوم تعلیم و تعلم آن در نظام آموزش و پرورش عباسی نمود.<sup>۵</sup> «حنا فاخوری» و «خلیل جر» ضمن تأیید این مطلب در تحلیل مبانی فکری و فلسفی اسحاق کندی نوشته‌اند:

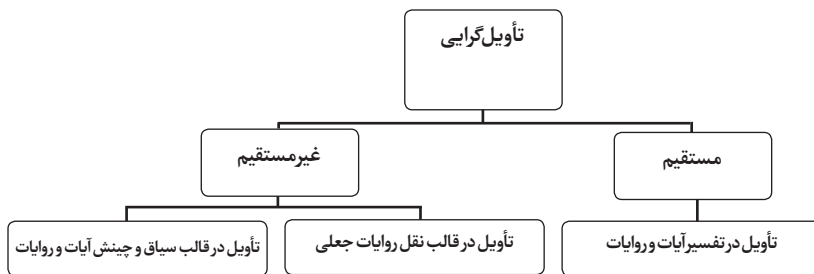
اما گاه شود که میان تعلیمات فلسفه و آیات قرآن تناقضی مشهود شود، و این تناقض است که پاره‌ای را به مخالفت با فلسفه وا داشته است. کندی حل این مشکل را در تأویل آیات یافته است. او می‌گوید: کلمات عربی را یک معنای حقیقی است و یک معنای مجازی، و بدین طریق متفکر می‌تواند از منطوق برخی آیات، معنای مجازی آنها را از راه تأویل دریابد...<sup>۶</sup>

در همین بستر، «غلات»<sup>۷</sup> هم خوانش خود را از احادیث و معارف دین ارائه می‌دادند<sup>۸</sup> که امام عسکری علیه السلام در مقابل آنان ایستاد.<sup>۹</sup>

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، همان، ص ۳۵۷.
۲. رک: ابن ابی اصیبعه، موفق الدین، عیون الانباء، ص ۲۸۶.
۳. رک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۱۰/۳۹۲.
۴. رک: ابن ابی اصیبعه، موفق الدین، همان.
۵. رک: ساعدی، شاکر عطیه، المعاد الجسماني، ص ۱۸۲.
۶. فاخوری، حنا، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ۲/۳۸۰.
۷. شیخ صدوق علیه السلام غلات را شریهود و نصاری می‌داند (صدوق، محمد بن علی، اعتقادات الامامیه، ص ۹۷).
۸. رک: سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ۳/۲۰۱۴؛ امین، شریف یحیی، معجم الفرق الاسلامیه، ص ۲۳۵.
۹. رک: طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۲۴۷؛ طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة،

معتزله و جبریون و اهل حدیث نیز هر کدام تفسیری از قرآن و معارف دین ارائه می‌دادند. بسیاری از روایات منقول اهل حدیث مانند بخاری و دیگر مؤلفان جوامع حدیثی نه‌گانه نیز جعلی بود. همین جعل احادیث و پرداختن به اسرائیلیات از یک سو،<sup>۱</sup> و از دیگر سو، التزام برخی اسلاف و اهل حدیث به ظاهرگرایی در قرائت احادیث و نفی تأویل عقلی و مهرباطل زدن بر هرگونه تلاش کلامی،<sup>۲</sup> سبب یک فروکاست معنایی در معارف دینی و بازتولید مفاهیم هرمنوتیکی شد که همان سنتز ناشی از درگیری تزوآنتی تراست.

بنابراین تأویل‌گرایی و هرمنوتیک را می‌توانیم طبق نمودار ذیل به دو دسته کلی تقسیم کنیم:



#### ۱-۴. منشور فرهنگ مکتوب

بنی عباس، هم جانشین بنی امیه، و هم جانشین آل علی بودند.<sup>۳</sup> با شعار «الرضا

ص ۵۰۶؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲۸۳/۵۰؛ کشی، محمد بن عمر، رجال، ۸۰۲/۲-۸۰۵.

۱. رک: ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ، ۱/۵۵۴-۵۵۵؛ ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر قرآن عظیم، ۱/۲۴۵-۲۴۶، ۵۱۸ و ۱۵۲/۵، ۱۷۰؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح، ۲۱۴۹/۴.

۲. رک: ابن‌حنبل، احمد بن محمد، اصول السنة، ص ۱۸-۱۹؛ ابن‌ابی‌یعلی، محمد بن محمد، طبقات الحنابلة، ۱/۵۶ و ۲۵۲؛ ابن‌عساکر، علی بن حسن، تبیین کذب المفتري، ۱/۱۴۹-۱۵۰؛ ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ۱۱/۳۷۶؛ شهرستانی، محمد، الملل و النحل، ۱/۱۰۰.

۳. رک: ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۱۲/۸۱.

من آل محمد<sup>۱</sup> به اهل بیت علیهم السلام و علویان خیانت کردند<sup>۲</sup> و شیعه بنی عباسی را شکل دادند.<sup>۳</sup> عجز عباسیان در مقابل ائمه علیهم السلام، فرهنگ شفاهی بنی امیه را به فرهنگ مکتوب تبدیل نمود و سبب بازتولید سیاست حذفی و کهنه امویان در عهد بنی عباس شد.

قبل از متوکل (خصوصاً در عهد مأمون) دوران درخشانی برای معتزله و متکلمان بود؛<sup>۴</sup> اما با روی کار آمدن متوکل (۲۳۲-۲۴۷ ق) که معاصر امام عسکری علیه السلام بود، عرصه برای اصحاب حدیث باز شد و متوکل به آنان تشخص بخشید؛ به گونه ای که در بغداد بیش از ۳۰۰۰۰ نفر در درس محدثان شرکت یافتند.<sup>۵</sup> جوآن قدر به نفع اهل حدیث بود که مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ ق) با دعا برای احمد بن حنبل، می خواست از پدرش واثق، به دلیل گرایشات اعتزالی اش، برائت بجوید.<sup>۶</sup>

نه کتاب مهم حدیثی اهل سنت در این عصر نوشته شده است. چهار کتاب مهم از این کتب در حیات امام عسکری علیه السلام (۲۳۲-۲۶۰ ق) تألیف شده اند و مهم ترین و معتبرترین کتب اهل سنت، یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم در عصر امامت ایشان نگارش یافته اند<sup>۷</sup> که هرمنوتیک و تأویل گرایی<sup>۸</sup> در آنها مشهود است.

۱. رک: شهیدی، جعفر، زندگانی امام صادق علیه السلام، ص ۷۳.
۲. پژوهشگران دانشگاه کمبریج، گزارشی از خیانت عباسیان به علویان را نوشته اند. هم چنین آورده اند که طرفداران این نهضت معتقد بودند، تنها هنگامی نظم و عدالت باز خواهد گشت که قدرت به یکی از خویشاوندان پیغمبر سپرده شود (رک: هولت، پی. ام و دیگران، تاریخ اسلام، ص ۱۵۷).
۳. رک: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۴۵/۱۸.
۴. هولت، پی. ام و دیگران، تاریخ اسلام، ص ۱۸۲؛ مدرسی، محمدتقی، امامان شیعه، ص ۲۷۷-۲۷۸.
۵. خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، ۶۷/۱۰-۶۸.
۶. ذهبی، محمد، تاریخ الاسلام، ۳۲۷/۱۹.
۷. مسند احمد بن حنبل (۲۴۱ ق)، مسند دارمی سمرقندی (۲۵۵ ق)، صحیح ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری یا الجامع الصحیح (۲۵۶ ق)، صحیح ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (۲۶۱ ق).
۸. رک: بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ۳۸۴/۱، ح ۱۰۹۴ و ۱۰۴۰/۳، ح ۲۶۷۱ و ۱۷۸۷/۴ و ۲۶۹۴/۶، ح ۶۹۷۱.

سه کتاب دیگر نیز معاصر با امام علیه السلام و بعد از شهادت ایشان، در زمان خلافت معتمد (۲۷۹ ق) که معاصر امام بود، تألیف شده است.<sup>۱</sup> دو کتاب دیگر هم قبل و بعد از زندگانی امام یازدهم تألیف شده است.<sup>۲</sup>

در خصوص صحیح بخاری نوعی غلو و تالی تولوسازی صورت پذیرفته است<sup>۳</sup> که به نظر هدمند می آید. این حرکت خزنده مرموز به نوعی شعار «حسبنا کتاب الله»<sup>۴</sup> راهم تحت الشعاع قرار می دهد. ابوهریره، از مهم ترین راویان احادیث صحیحین<sup>۵</sup> با ۵۳۷۴ حدیث<sup>۶</sup> است که به اعتراف خود وی، احادیث نبوی را جعل می نمود.<sup>۷</sup> خلیفه دوم نیز او را به جرم جعل احادیث نبوی تهدید به تبعید کرده است.<sup>۸</sup>

جالب است بدانیم که در تکمیل یا تألیف صحیح بخاری پس از مؤلف اصلی کتاب، از ۹۲۰۰ روایت به گفته «ابن خلدون»<sup>۹</sup> تا ۷۲۷۵ روایت در فتح الباری<sup>۱</sup> دیده می شود. ابن حجر در شرح صحیح بخاری می نویسد:

بخاری احادیثش را از میان ۶۰۰۰۰۰ حدیث استخراج کرده است که به نظرش صحیح بوده است.<sup>۱۱</sup>

۱. سنن محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (۲۷۳ ق)، سنن ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۷۵ ق)، سنن ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی (۲۷۹ ق).

۲. موطا مالک بن انس (۱۷۹ ق)، سنن ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی (۳۰۳ ق).

۳. رک: صالحی نجف آبادی، نعمت الله، غلو، ص ۵۴.

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، همان، ۱۶۱۲/۴ و ۲۱۴۶/۵؛ مفید، محمد بن محمد، امالی، ص ۳۶.

۵. رک: بخاری، محمد بن اسماعیل، همان، ۵۴/۱.

۶. رک: قاسم، اسعد، حقیقة الشيعة الاثني عشرية، ص ۱۴۹؛ ابواسحاق عسکری، ابراهیم، مسند ابی هريرة.

۷. رک: بخاری، محمد بن اسماعیل، همان، ۲۰۴۸/۵، کتاب النفقات، باب وجوب النفقة على الاهل والعيال، ح ۵۰۴۰.

۸. رک: ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ۶۰۰/۲.

۹. رک: ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ، ۵۵۹/۱.

۱۰. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ۴۶۵/۱.

۱۱. رک: همان، ۷/۱.

معنای این حرف، وجود ۵۹۰۸۰۰ حدیث جعلی است. یعنی حدود ۹۹٪ احادیث موجود در زمان بخاری، جعلی و نادرست بوده و این خود نوعی از تأویل و هرمنوتیک با هدف فروکاست مفاهیم معرفتی است. بدون تردید روش هرمنوتیکی جعل احادیث در منابع متقدم، اثر قرائت هرمنوتیکی خود را بر منابع متأخر هم خواهد گذاشت. بنابراین موضوع خوانش هرمنوتیکی و یهودی دین در فرهنگ مکتوب و در عصر یونانی مآبی بنی عباس مسئله مهمی است.

### ۱-۵. نمونه‌هایی از سنت هرمنوتیکی اهل حدیث

تدوین جوامع حدیثی عامه، که بخش مهمی از آنها در زمان امام عسکری علیه السلام صورت پذیرفت، میراث فرهنگ شفاهی دستگاہ خلفا و بنی امیه است. بنی عباس هم تداوم همین خط است که پس از دگرذیسی فرهنگی جامعه، در قالب نهضت علمی ترجمه و ورود فلسفه به دنیای اسلام، همان اباطیلی را که قصه‌گویان پس از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز جمعه و محافل اجتماعی نقل می‌کردند،<sup>۱</sup> به فرهنگ مکتوب جامعه تبدیل نمودند و این جنبش هرمنوتیکی منجر به خوانش فلسفی از دین و فروکاست معرفتی شد.

jep.emamat.ir

۱۲۷

بخاری با آن‌که از اصحاب حدیث و مخالف تأویل‌گرایی است، اما در خصوص شیوه مستقیم هرمنوتیک نیز مباحثی دارد.<sup>۲</sup> بخاری در جایی می‌گوید که تحریف کتب آسمانی در محدوده معانی و تأویل است نه در الفاظ و واژه‌ها. به گفته بخاری:

«یحرفون» به معنای «بزیلون» است و هیچ‌کس لفظ کتابی از کتب خداوند صلی الله علیه و آله را ازاله نمی‌کند؛ بلکه آن را تحریف می‌کنند. یعنی به تأویلی می‌پردازند غیر از آن تأویلی که دارد.<sup>۳</sup>

۱. رک: عسکری، مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، ج ۱؛ عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ۱/۱۲۱-۱۳۸ (فصل چهارم).

۲. رک: بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ۱/۳۸۴، ح ۱۰۹۴ و ۱۰۴۰/۳، ح ۲۶۷۱/۴، ۱۷۸۷/۴ و ۲۶۹۴/۶، ح ۶۹۷۱.

۳. همان، ۶/۲۷۴۵.

این عبارت ما را با روش تأویل و هرمنوتیک آشنا می‌کند. پس مراد از جنبش هرمنوتیکی که از آن سخن می‌گوییم، همین تحریف و تأویل در مباحث توحید و تجسیم و تشبیه خداوند، عصمت، نبوت، امامت، ولایت و... است. اسحاق بن راهویه، مؤثرترین استاد بخاری در شکل‌گیری شخصیتش می‌باشد.<sup>۱</sup> اگر زبان و منطق شاگردان اسحاق کلامی نبود، لاقبل به دنبال ایجاد درکی متقابل بین محدثان و متکلمان بود.<sup>۲</sup> برای روشن شدن منظورمان از این جنبش بین اهل حدیث در عصر امام عسکری علیه السلام، به ذکر چند خبر بسنده خواهیم نمود:

گزارش پایه: خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ كُفْرًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا زَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾<sup>۳</sup>

در بحث واژه‌شناسی، «کتب» و «کتاب» معانی متعددی مانند صحیفه و نوشتن و اثبات و تقدیر و ایجاب و واجب و اراده اطلاق دارد.<sup>۴</sup> «کتب» در عبارت «كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» به معنای «اثبات و حکم قطعی»<sup>۵</sup> و «ایجاب و وجوب»<sup>۶</sup> است. یعنی خداوند رحمت را بر خویش الزام و حتمی فرموده است. این معانی در قرآن کریم بسیار است. در آیه «وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ»<sup>۷</sup> «کتبت» به معنای ایجاب است. یعنی خدایا چرا بر ما جنگ را واجب کردی؟ یا در آیه «فَالآنَ بَاشِرُوهُمْ وَأَنْبَغُوا

۱. رک: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ۷/۱.

۲. برای مثال نگاه کنید به آثار ابن قتیبه جبری مسلک که مبارزه آشکاری با همه معتقدان به رأی (مانند معتزله، جهمیه و دیگر فرقه‌هایی که کلام و فلسفه را مبنای خود قرار می‌دادند) داشت و برای روشمندساختن تأویل احادیث در حل تعارضات احادیث، تلاش نمود (رک: ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مختلف الحدیث).

۳. انعام: ۱۲.

۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۸۲/۶.

۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۲۶/۷.

۶. قرشی، علی کبر، همان.

۷. نساء: ۷۷.

ما كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ<sup>۱</sup> «کتب» به معنای تقدیر است. یعنی الان با زنان نزدیکی کنید و آن چه خداوند از فرزند برای شما مقدر کرده است، بجویند. در آیه «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ<sup>۲</sup> «کتبنا» به معنای ایجاب و حکم است.<sup>۳</sup>

اما راویان، اهل علم و محدثین عامه از عبارت «كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» تفسیرهایی نموده‌اند که بر اساس آنها، متن قابلیت قرائت‌های گوناگون پیدا می‌کند. گویا هدفشان از تفسیر متن، دریافتن مراد مؤلف آن نیست و پیش داوری‌ها، شرط وجودی فهمشان می‌باشد. حال اگر افکار و ذهنیت راوی یا مؤلف (مفسر)، ممزوج با آموزه‌های یهودی و فلسفی باشد، تفسیر هم همان مفهوم را پیدا می‌کند.

گزارش اول: صحیح بخاری از قول ابوهریره از قول پیامبر ﷺ چنین می‌نویسد:

عن ابي هريرة عن النبي ﷺ قال: لَمَّا قَضَىٰ اللَّهُ الْخُلُقَ كَتَبَ كِتَابًا عِنْدَهُ: غَلَبْتُ - أَوْ قَالَ سَبَقْتُ - رَحْمَتِي غَضَبِي فَهُوَ عِنْدَهُ فَوْقَ الْعَرْشِ.<sup>۴</sup>

یعنی خداوند نوشته‌ای نوشت مبنی بر این که رحمت او بر غضبش غلبه دارد! ممکن است گفته شود که مراد مؤلف از «کتب کتاباً» معنای مجازی آن بوده است (بر خلاف عقاید ظاهرگرایانۀ سلفی خود). در این صورت ما هم متهم به نگاه هرمنوتیکی می‌شویم. اما توجه به عبارت «فوق العرش» که اشاره به مکان دارد، گمان ما را در مصیب بودن برداشت، تقویت می‌کند؛ چون اشاره به مکان برای خداوند در اخبار اهل حدیث و اسلاف و خصوصاً «احمد بن حنبل»،<sup>۵</sup> که از مشایخ و اساتید بخاری است،<sup>۶</sup> مشهور است.

۱. بقره: ۱۸۷.

۲. مائده: ۳۲.

۳. قرشی، علی اکبر، همان.

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ۶/۲۷۴۵، باب قول الله تعالى: ﴿يَلْهُو قُرْءَانًا﴾، ح ۷۱۱۴.

۵. رک: ابن ابی یعلی، محمد بن محمد، طبقات الحنابلة، ۱/۲۶۷ و ۲/۴۱.

۶. رک: ابن خلکان، احمد بن محمد، وفیات الاعیان، ۱/۶۴.

گزارش دوم: ابن ماجه با برداشت دیگری از این روایت، تقریب ما را قوی ترمی کند. چند سال بعد، به فاصله کوتاهی در سیر تکامل جنبش هرمنوتیکی دینی، ابن ماجه از قول ابوهریره همین مضمون را با افزودن کلمه «بیده» به روایت بیان می کند:

عن ابی هریره قال: قال رسول الله ﷺ: كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ بَيْدَهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ: رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي.<sup>۱</sup>

یعنی خداوند خودش با دستان خودش نوشت، رحمتم بر غضبم سبقت دارد. طبق تعریف بخاری، منظور از «تحریف»، ازاله معنا و تأویل آن است که همان هرمنوتیک نامیده می شود.<sup>۲</sup> بخاری با بیان عبارت «فوق العرش» و ابن ماجه با استفاده از کلمه «بیده» به ازاله معنا و تأویل آیات می پردازند و این حقیقت، اثبات کننده سیر هرمنوتیک در گذر زمان است که گاهی به اثبات معنا و گاهی به اثبات کیفیت و چگونگی می پردازد.

گزارش سوم: برخی از اسلاف در تفسیر متشابهات قرآن، قائل به اثبات معنا و نفی کیفیت بودند. مالک بن انس در خصوص آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»<sup>۳</sup> گفت: «الاستواء معلوم والکیف مجهول والایمان به واجب والسؤال عنه بدعة».<sup>۴</sup>

اغلب اهل حدیث نیز به تقلید از احمد حنبل و مالک بن انس، معنای ظاهری صفات خبری را پذیرفته اند و سپس با آوردن لفظ «بلاکیف» به زعم خویش خواسته اند از اتهام تشبیه و تجسیم رهایی یابند. ابوالحسن اشعری در «الابانة» راجع به قول خداوند تعالی: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»<sup>۵</sup> و «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ

۱. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، ۱/۶۷.

۲. رک: بخاری، محمد بن اسماعیل، همان، ۶/۲۷۴۵.

۳. طه: ۵.

۴. قلمونی حسینی، رشید رضا، رسائل السنة و الشیعة، ص ۹۱؛ البانی، محمد، موسوعة البانی، ۵۵/۶؛ ذهبی، محمد، العرش، ۱/۲۱۴؛ محمود، عبدالرحمن، موقف ابن تیمیة من الأشاعرة، ۱۱۸۱/۳؛ حلاق قاسمی، محمد، محاسن التأویل، ۲/۲۷۵؛ بدر، عبدالرزاق، اثر المشهور، ص ۴۷.

۵. قصص: ۸۸.



ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ<sup>۱</sup> می نویسد: «فأخبر تعالى أن له وجهاً وعيناً ولا تكيف ولا تحد». <sup>۲</sup> پرسش اساسی این است که چگونه می توان در جایی که لفظ، فاقد معنایی معقول است، صرفاً به ظاهراً ملتزم بود؟ اسلاف و اهل حدیث اگرچه از به کاربردن الفاظ تجسیم و تشبیه در اعتقادات خود پرهیز می کنند، اما بدیهی است که برای اعتقاد به ظواهر این صفات، باید به تجسیم و تشبیه، التزام فکری داشت. این شیوه مواجهه با متشابهات قرآن که مرز ازاله معنا و اثبات کیفیت را درنور دیده، با تکیه بر عقیده به حجیت سخن سلف تکرار می شود.

گزارش چهارم: به گفته شهرستانی در «الملل والنحل»، این قرائت از معارف دینی و توحیدی، اقتباس یافته از قرائت یهودیان است. <sup>۳</sup> یعنی با پیش فرض عقاید منحرف یهود، یک فروکاست معرفتی هم در اسلام شکل می گیرد که به قرینه علاقه برخی خلفا به آیین یهود<sup>۴</sup> و گرایشات یهودی و مسیحی برخی راویان و قصه گویان، <sup>۵</sup> پیشینه آن به صدر اسلام بازمی گردد.

گزارش پنجم: تورات نیز، خدا را موافق و شبیه و هم صورت انسان معرفی می کند<sup>۶</sup>

۱. الرحمن: ۲۷.

۲. اشعری، علی، الابانة، ۱۲۰/۱.

۳. رک: شهرستانی، محمد، الملل والنحل، ۱۰۰/۱.

۴. رک: سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، ۲/۲۵۳، ذیل آیه ۵۰ سوره بقره و ۱/۲۲۱، ذیل آیه ۹۷ سوره بقره؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۵/۲۶۹ و ۷/۶۹ و ۱۵۰؛ متقی هندی، علی، کنز العمال، ۱۴/۱۴۵-۱۴۶؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، بهجة المجالس، ۱/۲۰۶؛ ابن طاوس، علی بن موسی، الطرائف، ۲/۴۹۴؛ حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق، ص ۳۰۵؛ شوشتری، نورالله، صوارم المهرقة، ص ۶۱؛ حلبی، تقی بن نجم، تقریب المعارف، ص ۲۹۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۳۱/۲۹۷.

۵. رک: ذهبی، محمد، تذكرة الحفاظ، ۱/۹؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، همان، ۸/۱۱۷؛ کتانی، عبدالحی، تراتیب الادارية، ۲/۲۲۱؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۸/۳۹۳؛ همو، الاصابة، ۱/۴۸۸؛ ابن شبه، زید بن عبیده، تاریخ المدينة، ۱/۸-۹، ۱۱، ۱۵.

۶. رک: عهد عتیق، کتاب پیدایش، فصل ۱، سفر ۲۶.

و بنابراین او را دارای جوارح انسانی (یعنی دست، انگشت، پا، زبان و گوش)<sup>۱</sup> می‌داند. در جایی از تنخ یا تورات می‌خوانیم: «و خداوند دو لوح سنگ مکتوب شده به انگشت خدا را به من داد و...»<sup>۲</sup>. یعنی خداوندی که شبیه انسان است، این لوح را به دست خود نوشته است. یا در اول پادشاهان می‌خوانیم: «و دست خداوند بر ایلیا نهاده شد، کمر خود را بست و پیش روی آخاب دوید تا به یَزْرَعِيل رسید»<sup>۳</sup>. خداوند عهد عتیق، مانند انسان جسمیت دارد و با دست و دیگر جوارح خود اعمالی را انجام می‌دهد. اثبات کیفیت و ازاله معنا توسط اهل حدیث و اسلاف هم مانند همین قرائت‌های یهودی است.

سنت هرمنوتیکی عباسیان، در سیر تطورات تاریخی و شکل‌گیری جریان‌های در بدنه «حنابله» و «حشویه»<sup>۴</sup> که صراحتاً قائل به تجسیم و تشبیه خداوند هستند، و «مشبهه»<sup>۵</sup> و افکار تجسیمی ابن تیمیه،<sup>۶</sup> که اشاعره و معتزله را به دلیل اعتقاد به تنزیه‌ی بودن صفات خداوند ملحد می‌داند، و شیوه متأخرانی مانند «ابن باز»<sup>۷</sup> که مخالفین تجسیم و تشبیه خداوند را بدعت‌گذار می‌داند، تأثیر بسزایی داشته است.

از مجموع گزارشات فوق به دست می‌آید، هیچ فهمی بدون پیش‌فرض نیست و گرایش‌ها و دیدگاه‌ها و انتظارات مفسر، در فرایند فهم متن سهم بزرگی دارند. در چنین حالتی، هویت و ماهیت فهم مفسر اشکال دارد. به گفته گادامر، «فرایند فهم

۱. رک: عهد عتیق، خروج، فصل ۸، سفر ۱۹ فصل ۲۴، سفر ۱۰ فصل ۱۹، سفر ۱۹-۲۰ و اعداد، فصل ۱۱، سفر ۱.

۲. عهد عتیق، کتاب تثنیه، فصل ۹، سفر ۱۰.

۳. عهد عتیق، اول پادشاهان، فصل ۱۸، سفر ۴۶.

۴. رک: ابن عساکر، علی بن حسن، تبیین کذب المفتری، ۱/ ۳۱۰-۳۱۱؛ حلی، حسن بن یوسف، منهاج الکرامه، ۴/ ۱۰.

۵. رک: شهرستانی، محمد، همان.

۶. رک: ابن تیمیه، احمد، بیان تلبیس الجهمیه، ۱/ ۲۳۶؛ ابوزهره، محمد، تاریخ مذاهب اسلامی، ص ۳۲۲.

۷. رک: ابن باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ۳/ ۶۱.

از طریق گفتگویی میان مفسر و متن به دست می‌آید.<sup>۱</sup> حال ذهنیت مفسر متن، چیز دیگری است. پس این گفتگونی تواند مفید فایده باشد؛ چون افق فکری مفسر با افق معنای متن، دو پارادایم کاملاً گوناگون و نامتجانس هستند و معنای جدیدی که از آمیزش آنان خلق می‌شود، فرزندی معیوب الخلقه و ناخلف است که ما را به مراد مؤلف نمی‌رساند. این معنای تحریف<sup>۲</sup> و ازاله<sup>۳</sup> معنا در جنبش هرمنوتیک است. در دیگر معارف دین مانند «عصمت»، «نبوت»، «امامت» و «ولایت» نیز همین خوانش و فروکاست معرفتی را شاهدیم.

## ۲. مبارزه و مواجهه فکری امام عسکری علیه السلام با جنبش هرمنوتیکی

با ملاحظه روایاتی که از امام حسن عسکری علیه السلام به ما رسیده است، می‌توانیم گستردگی و فراگیری فعالیت‌های آن حضرت مقابل این جنبش هرمنوتیکی را دریابیم. در مسئله توحید، نبوت، امامت، مهدویت، مسائل عقیدتی، فقه، عرفان، دعا، طب، فلسفه و کلام، حفظ سنت نبوی و سیره و تاریخ اهل بیت علیهم السلام فعالیت چشمگیری از امام به ظهور رسیده است.<sup>۴</sup> آن حضرت هم چنین به نقد و بررسی شخصیت‌هایی می‌پرداخت که مردم برای کسب دانش و احکام به آنها مراجعه داشتند.<sup>۵</sup>

روش مقابله و رویارویی امام با این جنبش، همان روش مقابله به مثل با مشرکان است که خدا در قرآن برای رسولش مشخص فرمود؛<sup>۶</sup> با این تفاوت که آن جا

۱. رک: واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۲۱۸.

۲. رک: بقره: ۷۹؛ نساء: ۴۶.

۳. رک: بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ۶/۲۷۴۵.

۴. رک: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۰؛ امام عسکری علیه السلام، حسن بن علی، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام؛ خزعلی، ابوالقاسم، موسوعة الامام العسکری علیه السلام؛ عطاردی قوچانی، عزیزالله، مسند الامام العسکری علیه السلام؛ شریف قرشی، باقر، زندگانی امام عسکری علیه السلام، ترجمه سیدحسن اسلامی.

۵. رک: گروه مؤلفان، پیشوایان هدایت، ۱۳/۲۸۴.

۶. «أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ...» (بقره: ۱۹۱). امیرمؤمنان علیه السلام نیز در نهج البلاغه همین روش

برخوردها برای بیرون نمودن مشرکان از دیار مادی مسلمین، سخت و تند بود و این جا برخوردها برای بیرون راندن آنان از اراضی و دیار معنوی اسلام، نرم و فرهنگی است.

اقدامات امام در راستای شکل‌گیری و تقویت انقلاب فرهنگی را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

## ۱-۲. مقابله با ظاهرگرایی اهل حدیث در مسئله توحید

امام عسکری علیه السلام در مقابل سنت هرمنوتیکی به وجود آمده در جامعه، معارف توحیدی ناب و صحیح را به مردم تعلیم می‌نمود و از هرگونه تجسیم و تشبیه خداوند و صورت‌پردازی منع می‌فرمود.

از سهل روایت شده است که گفت: در سال ۲۵۵ نامه‌ای به حضرت امام عسکری علیه السلام نوشتم که در آن آمده بود:

ای سرور من، یاران ما در توحید اختلاف کرده‌اند. بعضی از آنها می‌گویند که خداوند متعال جسم است و بعضی از آنان می‌گویند صورت است. پس ای سرورم اگر صلاح می‌دانید در این زمینه مرا چیزی بیاموزید که به فرموده شما معتقد گشته و از آن، پافراتر نگذارم. در این صورت بر بنده خود منتهی گذاشته‌اید!

آن حضرت به خط شریف خود پاسخ دادند:

از توحید سؤال کرده‌ای در حالی که این مسئله در اندازه فکر و عقل شما نیست. خداوند یکتای یگانه است. کسی را نزاده و زاییده نشده است و هیچ‌کس همتای او نیست. او خالق است و مخلوق نیست. خداوند - تبارک و تعالی - آن چه را بخواهد از جسم و غیر جسم خلق می‌کند، اما خود جسم نیست و آن چه را بخواهد صورت می‌بخشد،

---

را به بیان دیگری مطرح نموده‌اند: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ» (سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، ص ۵۳۰).

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۱۰۳.

اما خود صورت ندارد. ستایشش برتر و نام‌هایش مقدس‌تر از آن است که برای او شبیهی باشد. او است و غیر از او چیزی نیست. چیزی مانند او نیست و او شنوای بینا است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. تعلیم و تفسیر قرآن

با توجه به شکل‌گیری جنبش هرمنوتیکی، امام عسکری علیه السلام نیز به تعلیم و تفسیر قرآن - به عنوان سند و مصدر اساسی شریعت و تربیت - و آموزش عناصر قرآنی و تفسیری و حدیثی، سخت اهتمام ورزید. ابن شهر آشوب در معالم العلماء نقل می‌کند که امام، تفسیر بزرگی داشتند که حسن بن خالد برقی آن را ذکر کرده است.<sup>۲</sup> این تفسیر، تفسیری صحیح و قویم در ۱۲۰ مجلد به املائی امام بود. این تفسیر غیر تفسیری است که شیخ صدوق از مفسر استرآبادی منسوب به امام<sup>۳</sup> ذکر کرده است. بسیاری از علما درباره کیفیت و چگونگی این تفسیر و این که این تفسیر ممکن است جعلی یا وضعی باشد، شک نکرده‌اند و از کم بودن درجه اعتبار آن سخنی به میان نیاورده‌اند.<sup>۴</sup>

اما در خصوص تفسیر منسوب به امام که در دسترس است باید گفت، این تفسیر مورد اعتماد مرحوم صدوق بوده<sup>۵</sup> و ایشان از مفسر استرآبادی نقل نموده است.<sup>۶</sup> مطالبش را امام عسکری علیه السلام در مدت هفت سال به تدریج به دو نفر از شیعیان علاقه‌مند و دوستدار علم تعلیم نمودند که به عنوان تفسیر امام عسکری علیه السلام شهرت یافته است.<sup>۷</sup>

۱. همان.

۲. رک: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، ص ۳۴.

۳. رک: هاشمی، فاطمه، بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام.

۴. غروی نایینی، نهله، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۰۰.

۵. رک: صدرالدین شیرازی، محمد، شرح اصول کافی، ۱/۹۴.

۶. رک: امام عسکری علیه السلام، حسن بن علی، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام، مقدمه محقق، ص ۲.

۷. موحد ابطحی، حجت، آشنایی با حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، ص ۲۵۱.

همین اشتغال امام به تفسیر قرآن، جدای از این‌که وظیفه امام محسوب می‌شود، بیانگر اهمیت خوانش و قرائت آیات قرآن در آن عصر است. یعنی با توجه به رونق بازار فلاسفه و مفسران قرآن، امام با این اقدام علمی به جنگ خوانش‌های هرمنوتیکی از قرآن رفته‌اند.

## ۲-۳. توسعه میراث مکتوب امامیه

از نزد امام کتابی با عنوان «رسالة المنقبة» صادر شد<sup>۱</sup> و دانشمندی به نام «خیبری» نیز کتابی با عنوان «مکاتبات الرجال عن العسکریین» جمع‌آوری نمود.<sup>۲</sup> در کنار این فعالیت‌های انفرادی، امام به دنبال تجدید و گسترش انقلاب فرهنگی شیعه برای توسعه کلام غنی و مترقی امامیه بود. حضرت در فکر رستاخیز نویسندگان و قلم‌به‌دستان متعهد و علمای شیعه بود. اگر همه «۱۰۳ صحابی»<sup>۳</sup> تا «۲۶۳ یار امام»<sup>۴</sup>، اهل قلم باشند، جامعه باید در انتظار انقلاب فرهنگی بزرگی باشد. امام با تجلیل از چهره‌های فرهنگی شیعه، دانشوران و دانشجویان و دانش‌دوستان را برای توسعه فرهنگ مکتوب امامیه و تلاش هرچه بیشتر در جهت شکل‌گیری این انقلاب و گسترش فرهنگ شیعه، ترغیب می‌نمود. بدون تردید این اقدامات کلامی امام، آیندگان را از خوانش‌های هرمنوتیکی جدا نمود و به شکل‌گیری صحیح قرائت آیندگان از دین و معارف دینی کمک کرد.

امام، این انقلاب فرهنگی را در شرایطی رهبری کرد که تمام طول مدت امامت خود را در زندان حکومتی<sup>۵</sup> یا در حصر و تحت کنترل شدید و مراقب بی‌وقفه

۱. رک: صدرالدین شیرازی، محمد، شرح اصول کافی، ۹۴/۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۳۱۰/۵۰.

۲. رک: همان.

۳. رک: طوسی، محمد بن حسن، رجال، ص ۳۹۷-۴۰۳.

۴. رک: قزوینی، محمد، الامام العسکری عليه السلام من المهد الى اللحد، ص ۵۰.

۵. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۵۰۸/۱، ۵۱۲؛ مفید، محمد بن محمد، ارشاد،

۳۳۴/۲؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ۳۰۳/۵۰، ۳۱۳-۳۱۴.

حکومت عباسی<sup>۱</sup> بود. امام در این شرایط امنیتی و اختناق سیاسی فشار زیادی را برای مکاتبات و مراسلات و ایجاد ارتباط با وکلای خود و مردم<sup>۲</sup> متحمل شد. بنابراین با توجه به ایجاد این تشکیلات سری و ارتباطات مردمی غیرمستقیم، روشن می‌شود که روش امام در نشر و گسترش حدیث در این حجم بالا، نسبت به عهد صادقین علیهم‌السلام متفاوت بود.

حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام تعدادی از کتاب‌های فقهی، اصولی، روایی و کلامی‌ای را که در زمان آن حضرت یا قبل از ایشان جمع شده بودند را تعظیم کرد و نویسندگان و گردآورندگان آنها را تأیید فرمود و از زحمات آنان تشکر نمود. آن حضرت با این کار به این مکتب کلامی و فقهی جهت داد و همت آنان را به سمت خط فقهی و کلامی، که همان خط آینده‌ی آنان در زمان غیبت بود، سوق داد؛ خطی که عموم شیعیان می‌بایست از آن پیروی کنند.<sup>۳</sup>

ابوهاشم جعفری از یاران و خواص امام و از نوادگان جعفر طیار می‌گوید: روزی کتاب «یوم و لیلۃ» از تألیفات «یونس بن عبدالرحمن» را به حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام عرضه کردم. حضرت آن را مطالعه نمود و پرسید: این کتاب تألیف کیست؟ گفتم: این از آثار یونس بن عبدالرحمن، از منتسبین به آل یقظین است. امام علیه‌السلام فرمود:

خداوند در مقابل هر حرف [که در این کتاب نوشته است] نوری برای او در قیامت عطا فرماید.<sup>۴</sup>

۱. رک: قطب‌الدین راوندی، سعید، الخرائج والجرائح، ۲/ ۷۸۲؛ جزایری، نعمت‌الله، ریاض الأبرار، ۲/ ۵۰۸؛ مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص ۳۲۸؛ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین، ۱/ ۴۳.

۲. رک: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۴/ ۴۲۷؛ طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ص ۳۵۴؛ قطب‌الدین راوندی، سعید، همان، ۱/ ۴۳۵؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ۵۱/ ۳۴۴.

۳. رک: طبسی، محمدجواد، حیاة الامام العسکری علیه‌السلام، ص ۳۲۵.

۴. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۲۷/ ۱۰۲.

شیخ کشی در نقل این ماجرا، جمله دیگری هم از امام نوشته است:

این دین من و دین پدرانم می باشد و همه آن حق است.<sup>۱</sup>

بر اثر همین تشویق های امام علیه السلام بود که تنها یکی از اصحابشان به نام «فضل بن شاذان»<sup>۲</sup> تا ۱۸۰ جلد کتاب تألیف کرد و شانزده تن دیگر از شاگردان دست به قلم شده ایشان، ۱۱۸ عنوان کتاب را در عصر امامتشان تألیف نمودند؛ برای نمونه، «علی بن حسن فضال»،<sup>۳</sup> کتاب، «محمد بن حسن صفار»،<sup>۴</sup> ۳۵ کتاب، «عبدالله بن جعفر حمیری»،<sup>۵</sup> نوزده کتاب، «احمد بن ابراهیم»،<sup>۶</sup> هفت کتاب و «هارون بن مسلم»،<sup>۷</sup> شش کتاب برای پیروان امام به یادگار گذاشتند.<sup>۸</sup>

هم چنین امام در نامه ای به علی بن بابویه قمی، که از دانشمندان برجسته شیعه در قم و صاحب بیش از دویست تألیف بود،<sup>۹</sup> به نحو شایسته ای او را می ستاید. در بخشی از آن نامه آمده است:

ای بزرگ مرد و مورد اعتماد و فقیه شیعیان من، ابوالحسن علی بن حسین قمی! خداوند متعال تو را براموری که مورد رضای او است موفق بگرداند و برای تو فرزندان صالح و شایسته عطا فرماید. ای

۱. کشی، محمد بن عمر، رجال، ۲/۷۸۰.

۲. رک: نجاشی، احمد بن علی، رجال، ص ۳۰۷؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۳۶۱-۳۶۳.

۳. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۲۵۷-۲۵۹؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۷۲-۲۷۳.

۴. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۳۵۴؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۴۰۸.

۵. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۲۱۹-۲۲۰؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۹۴.

۶. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۹۳؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۶۶.

۷. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۴۳۸؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۴۹۶.

۸. مهریزی، مهدی، آشنایی با متون حدیث، ص ۷۷.

۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ص ۲۷۷.



مرد دانشمند و مورد اطمینان من، ابا الحسن! صبر کن و شیعه مرا به صبر فرمان ده. همانا زمین از آن خدا است که بندگان را وارث آن می‌سازد و سرانجام نیکو برای پرهیزکاران است و سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو و بر همه شیعیانم باد.<sup>۱</sup>

شیخ محمد بن حسن حر عاملی در خاتمه کتاب «وسائل الشیعة»، آخر فایده چهارم، تعداد تألیفات شیعه در حدیث از طریق اهل بیت علیهم السلام که در کتب رجالی به ثبت رسیده است، (از زمان امیر المؤمنین علیه السلام) تا زمان امام عسکری علیه السلام را بیش از ۶۶۰۰ کتاب بیان می‌کند.<sup>۲</sup> مسلم است که با توجه به شرایط زمانی و جنبشی که در زمان امام عسکری علیه السلام شکل گرفته بود، فعالیت و سهم امام و اصحابش در تقابل با این جریان نیز بیشتر از گذشتگان بوده است. هریک از شاگردان امام سهم بزرگی در گسترش معارف ناب تشیع و رفع شبهات داشته‌اند؛ به طوری که یک چهارم روایات کتب اربعه شیعه (یعنی ۱۰۴۹۲ روایت از مجموع ۴۱۰۲۰ روایت)، تنها سهم شاگردان ایرانی امام است که مطلب قابل توجهی است.<sup>۳</sup> این در حالی است که تنها ۳۶ نفر از مجموع ۱۰۳ صحابی امام عسکری علیه السلام ایرانی بودند.<sup>۴</sup>

## ۲-۴. ورود مستقیم امام

اسحاق کندی، فیلسوف بزرگ جهان اسلام، مشغول تدوین کتابی در باب تناقضات قرآن بود. روش فیلسوف کندی، تأویل‌گرایی و هرمنوتیک فلسفی بود. امام حسن عسکری علیه السلام به یکی از شاگردان او مأموریت می‌دهد که وی را در تدوین کتاب تناقضات یاری نماید و سپس سؤالی را با الفاظ القایی امام، از او بپرسد: اگر نازل‌کننده قرآن [خدا] نزد تو آید، آیا ممکن است که بگوید: مراد

۱. صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال، مقدمه، ص ۹.

۲. رک: حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۳۰/ ۱۶۵.

۳. رک: پیرمادیان، مصطفی و منتظرالقائم، اصغر و بوسعیدی، فرشته، «نقش اصحاب ایرانی امام حسن عسکری علیه السلام در علم الحدیث با تکیه بر کتب اربعه شیعه»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۱۵.

۴. رک: طوسی، محمد بن حسن، رجال، ص ۳۹۷-۴۰۳.

من از معانی این آیات، غیر از آن معانی ای است که تو برای آن آیات فهمیده‌ای؟<sup>۱</sup>

امام بیان می‌دارد که کنندی خواهد گفت: «آری؛ ممکن است». در این هنگام به او بگو:

توجه می‌دانی؟! شاید مراد خدا از آیات قرآن، غیر از آن معانی ای باشد که تو فهمیده‌ای.

شاگرد سؤال را با استاد در میان گذاشت. استاد فکری کرد و گفت: سؤال خود را دوباره بیان کن. او سؤال خود را تکرار کرد. استاد گفت: آری؛ ممکن است خدا اراده معنایی غیر از معانی ظاهری آیات قرآن کرده باشد؛ زیرا واژه‌ها، دارای احتمالات است.<sup>۲</sup>

امام با طرح سؤال اول:

إِنْ أَتَاكَ هَذَا الْمُتَكَلِّمُ بِهَذَا الْقُرْآنِ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ مُرَادُهُ بِمَا تَكَلَّمَ مِنْهُ غَيْرَ الْمَعَانِي الَّتِي قَدْ ظَنَنْتَهَا أَنْكَ ذَهَبْتَ إِلَيْهَا؟<sup>۳</sup>

دقیقاً ریشه هرمنوتیک فلسفی را هدف قرار داد. جواب کنندی هم تأیید همین مطلب است: «دَلِيلٌ مُحْتَمَلٌ فِي اللُّغَةِ وَ سَائِعًا فِي النَّظَرِ». سؤال دوم امام نیز تفکر هرمنوتیکی «مرگ مؤلف» را کاملاً از بین برد:

فَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ قَدْ أَرَادَ غَيْرَ الَّذِي ذَهَبْتَ أَنْتَ إِلَيْهِ فَيَكُونُ وَاضِعًا لِغَيْرِ مَعَانِيهِ؟<sup>۴</sup>

درواقع کنندی نتایج تحقیقاتش را به آتش نکشید؛ بلکه تفکر هرمنوتیکی را سوزاند و نابود کرد.

در نهایت کنندی توسط امام عسکری علیه السلام از تأویل آیات قرآن بر حذر داشته و

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۵۰/ ۳۱۱.

۲. قمی، عباس بن محمد رضا، الانوار البهية، ص ۴۹۲-۴۹۴.

۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۴/ ۴۲۴.

۴. همان.

متنبه می‌شود و همهٔ مکتوبات خود را می‌سوزاند.<sup>۱</sup> طبق برخی اقوال، او شیعه شده است.<sup>۲</sup>

سخن از حادث یا قدیم بودن قرآن، یکی از مباحث کلامی داغ در عصر امام عسکری علیه السلام بود. پیشینهٔ این بحث که از اواخر حکومت امویان آغاز شد، به «طالوت بن اعصم یهودی»<sup>۳</sup> برمی‌گردد. «بشرمریسی» که گفته شده است یهودی تبار بود،<sup>۴</sup> در عهد هارون، چهل سال به این بحث دامن زد. مأمون نیز از معتزله پشتیبانی و نظریهٔ مخلوق بودن قرآن را باور رسمی دولت اعلام نمود و به سرکوب مخالفان پرداخت که این واقعه به «محنة القرآن» مشهور شد.<sup>۵</sup> اما متوکل در زمان خویش جانب اهل حدیث را گرفت و این بار نظریهٔ قدیم بودن قرآن بر جامعه تحمیل شد. اما اهل بیت علیهم السلام، شیعه را از ورود به این بلوا برحذر داشتند و آن را فتنه، و اصل طرح این مسئله را بدعت دانستند که سؤال‌کننده و جواب‌دهنده در آن شریک‌اند و هیچ تکلیفی در این باب ندارند.<sup>۶</sup> معتزله و شیعه معتقد به حدوث قرآن هستند،<sup>۷</sup> اما اهل حدیث معتقدند قرآن قدیم است. استدلال شیعه به آیات سوم سورهٔ زخرف و دوم سورهٔ انبیاء و استدلال اهل حدیث به آیهٔ ششم سورهٔ توبه از قرآن است.<sup>۸</sup>

امام عسکری علیه السلام هم چنان هوشمندانه جامعه را رصد می‌نمود تا در بزنگاه‌ها با ظهور جلوه‌های هدایتی خود، تغییر‌نگرش در جامعه ایجاد کند. ابوهاشم می‌گوید: به ذهنم خطور کرد که قرآن مخلوق است یا غیرمخلوق؟ در این حال

۱. همان؛ قمی، عباس بن محمد رضا، همان.

۲. رک: ابن طائوس، علی بن موسی، فرج المهموم، ص ۱۲۸.

۳. موسوی زنجانی، ابراهیم، عقاید الامامیه الاثنی عشریه، ۳/ ۱۹۹.

۴. رک: حلبی، علی اصغر، تاریخ علم کلام در ایران و جهان، ص ۱۹۶.

۵. رک: ابن اثیر، علی بن محمد، تاریخ کامل، ۶/ ۴۲۳.

۶. رک: صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۵۴۶.

۷. رک: اقبال آشتیانی، عباس، آل نویخت، ص ۶۵.

۸. رک: صواف، محمد شریف عدنان، بین السنة و الشیعة، ص ۲۸۹.

امام عسکری علیه السلام فرمود: «ای ابوهاشم! خداوند خالق هر چیزی است و هر چه غیر از او، مخلوق است»<sup>۱</sup>.

بنابراین، کنشگری و فعالیت‌های امام و واکنش‌های دستگاه خلافت در ایجاد اندیشه‌های انحرافی و نیز تنش‌های کلامی جریان‌های انحرافی ایجاد شده در عصر عباسیان و خصوصاً در عهد امام عسکری علیه السلام، در ربط مستقیم و غیرمستقیم با بحث هرمنوتیک هستند.

### نتیجه‌گیری

نکته کلیدی به دست آمده در این پژوهش، این است که در کنار همه فرصت‌هایی که «نهضت ترجمه» برای دنیای اسلام ایجاد نمود، آسیب‌هایی را نیز متوجه جامعه اسلامی ساخت و امام عسکری علیه السلام با این تهدیدها بسیار هوشمندانه مقابله نمود. نتایجی که با تحفظ برپیش فرض پیش‌گفته از این تحقیق به دست آمد را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱. زمینه‌های ایجاد نهضت ترجمه موارد زیر است:

✓ منع حکومتی از فرهنگ مکتوب در قرن اول و مطالبه عمومی برای شکل‌گیری فرهنگ مکتوب؛

✓ تغییر سیاست فرهنگی حاکمیت و سیراز فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب.

۲. علل و انگیزه‌های زیرین نهضت ترجمه را می‌توان چنین بیان کرد:

✓ تقابل حاکمیت با اهل بیت علیهم السلام و کلام شیعی؛

✓ تقابل دانشمندان مسیحی و بیگانگان با قرآن و کلام شیعی.

۳. ورود تفکر ارسطویی، افلاطونی و نوافلاطونی به جهان اسلام، ثمره تلاش اسقف‌ها و کشیشان مسیحی و دیگر بیگانگان در نهضت ترجمه بود که یکی از آثار مخرب آن، شکل‌گیری جنبش هرمنوتیکی و تأویل‌گرایی در یک فرایند اجتماعی

۱. رک: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۴/۳۳۶.

و سیاسی بود. اگرچه بین هرمنوتیک فلسفی و ارسطویی مرزهایی وجود دارد، اما تفکر ارسطویی، زمینه‌ساز هرمنوتیک به معنای «مرگ مؤلف» شد.

۴. مرادۀ فرهنگی با دنیای غرب به شکلی که در نهضت ترجمۀ عباسیان شکل گرفت، بیشتر به تهاجم فرهنگی شباهت داشت تا زبده‌گزینی و تبادل فرهنگی. با توجه به قرائن تاریخی و فضای مسموم فرهنگی آن دوره، می‌توانیم یکی از شیوه‌های نفوذ فرهنگی در بدنهٔ اسلام، همین مرادوات علمی دانشمندان و نهضت ترجمه بود. طبق قاعدهٔ «نفی سبیل» و آیهٔ «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» این‌گونه مرادوات فرهنگی برای جامعهٔ مسلمین خسارت‌بار است و از هرگونه مرادوه‌ای در این راستا طبق آیات قرآن نهی شده است.

۵. تغییر در سیاست فرهنگی حاکمیت، ناشی از دگردیسی جامعه و با هدف کنترل موج فرهنگی-اجتماعی و تحمیل سیاست‌های کهنهٔ حاکمیت در شکل و بستر جدید به جامعه بوده است.

۶. تأویل‌گرایان به دوروش مستقیم و غیرمستقیم، در قالب تفسیر و جعل احادیث و سیاق و چینش روایات، به هرمنوتیک پرداخته‌اند. با این‌گزاره که از طرفی حدود ۹۹٪ روایات عامه و احادیث واردشده در منابع متقدم عامه، به تصریح بخاری، جعلی بود، و از طرف دیگر ظاهرگرایی در بین اسلاف و اهل حدیث رواج یافت، به این پدیده به‌عنوان یکی از روش‌های هرمنوتیکی و نشانهٔ خوانش هرمنوتیکی پرداخته‌ایم و بدون تردید منابع متقدم آغشته به مسائل هرمنوتیکی، بر جوامع حدیثی متأخر هم اثر هرمنوتیکی خواهند گذاشت. هم‌چنین مسلم است که فلسفهٔ غربی، خصوصاً فلسفهٔ ارسطویی، که ناقل اندیشهٔ هرمنوتیکی هستند، در زمان عباسیان وارد جامعهٔ اسلامی شد و کمی بعدتر عقل‌گرایی خودبنیاد و هرمنوتیک فلسفی و اندیشهٔ مرگ مؤلف در جامعه پدیدار شد. با این دو گزاره، نهضت ترجمه را زمینه‌ساز هرمنوتیک فلسفی به معنای مرگ مؤلف می‌دانیم که یک روش هرمنوتیکی دیگر و یکی از آثار مخرب نهضت ترجمهٔ حاکمیتی است. در بسیاری موارد هم در خصوص مسائل مربوط به امامت و نبوت و توحید و... از

روش مستقیم خوانش هرمنوتیکی بهره برده شده است.

۷. اوج جنبش هرمنوتیکی، در عصر امام عسکری علیه السلام است که شاهد آمیزش افق فکری مفسر با افق معنایی متن و خیزش معنایی جدید از ذهن و زبان تأویل گرایان و عوامل حکومتی مانند فیلسوف کندی و یا جریان‌هایی مانند اهل حدیث، غلات و مفوضه، جبریون و معتزله هستیم. چهار کتاب از نه کتاب مهم جوامع حدیثی اهل سنت در عصر زندگانی امام عسکری علیه السلام و سه کتاب دیگر هم کمی بعد از شهادت ایشان نگاشته شده است که طبق قرائن تاریخی و کلامی، تأویل‌گرایی و فروکاست معرفتی در آنها موج می‌زند.

۸. تجدید و گسترش انقلاب فرهنگی شیعی توسط امام عسکری علیه السلام در مبارزه با جنبش هرمنوتیکی از طرق ذیل صورت یافته است:

- ✓ مبارزه فکری با ظاهرگرایی اهل حدیث با تبیین معارف توحیدی؛
- ✓ اشتغال به تفسیر و آموزش قرآن و تربیت شاگردان و مفسران؛ با وجود خوانش‌ها و قرائت‌های متعدد از قرآن و رونق بازار فلاسفه و مفسران قرآن، امام با اشتغال به تفسیر قرآن، به جنگ خوانش‌های هرمنوتیکی از قرآن رفتند.
- ✓ توسعه فرهنگ مکتوب امامیه با تجلیل از دانشوران و ترغیب عناصر قلم به دست متعهد شیعی برای تألیف و انتشار کتب در بیان معارف شیعی و رد مبانی مکاتب دیگر؛ بدون تردید این اقدامات کلامی امام عسکری علیه السلام، آیندگان را از خوانش‌های هرمنوتیکی جدا نمود و به شکل‌گیری صحیح قرائت آیندگان از دین و معارف دینی کمک کرد.
- ✓ تقابل فکری امام عسکری علیه السلام با تفکر هرمنوتیکی و «مرگ مؤلف»؛ مانند رویارویی با فیلسوف کندی یا مواجهه با اندیشه اهل حدیث در مسئله «خلق القرآن».

این نکته حائز اهمیت است که مجموع کنش‌ها و فعالیت‌های امام و واکنش‌های دستگاه خلافت در ایجاد اندیشه‌های انحرافی و نیز کنشگری جریان‌های انحرافی ایجاد شده در این دوره تاریخی (عباسیان)، خصوصاً در عصر امام عسکری علیه السلام، در ربط مستقیم و غیرمستقیم با بحث هرمنوتیک هستند.

کتاب‌ها

قرآن کریم

نهج البلاغة (سخنان امیرمؤمنان علیه السلام)، گردآوری سید رضی، چاپ اول: هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.

کتاب مقدس / شامل کتب عهد عتیق (تورات، کتب انبیا و مزامیر) و عهد جدید (اناجیل و رساله‌ها)، ترجمه قدیم که از زبان‌های اصلی عبرانی و آرامی و یونانی ترجمه شده است. ابن ابی اصیبعه، موفق‌الدین، عیون الانباء فی طبقات الطبء، تحقیق: نزار رضا، دار مکتبه الحیاة، بیروت.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

ابن ابی یعلی، محمد بن محمد، طبقات الحنابلة، تحقیق: محمد حامد الفقهي، دار المعرفة، بیروت.

ابن اثیر، علی بن محمد، تاریخ کامل، ترجمه: حمیدرضا آذیر، تهران، ۱۳۸۲ ش. ابن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی، دار القاسم، ریاض.

ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحلیم، بیان تلبیس الجهمیة فی تأسیس بدعهم الکلامیة، چاپ اول: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، عربستان، ۱۴۲۶ ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمييز الصحابة، چاپ اول: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، چاپ اول: دار الفکر، بیروت، ۱۹۸۴ م. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری / شرح صحیح البخاری، دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹ ق.

ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، اصول السنة، چاپ اول: دار المنار - الخرج، عربستان، ۱۴۱۱ ق.

ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، چاپ اول: مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۲۱ ق.

ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، تحقیق: خلیل شحادة، چاپ دوم: دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، دار صادر، بیروت.

ابن سعد بغدادی، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، چاپ اول: دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۰ ق.

ابن شبة، زید بن عبیده، تاریخ المدینة، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، سید حبیب محمود احمد، جده، ۱۳۹۹ ق.

ابن شهر آشوب مازندانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، چاپ اول: علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.

ابن شهر آشوب مازندانی، محمد بن علی، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۰ ق.

ابن طاوس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، چاپ اول: خیام، قم، ۱۴۰۰ ق.  
ابن طاوس، علی بن موسی، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، چاپ اول: دار الذخائر، قم، ۱۳۶۸ ق.

ابن عساکر، علی بن حسن، تبیین کذب المفتری، چاپ سوم: دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، تأویل مختلف الحدیث، دار الجیل، بیروت، ۱۳۹۳ ق.  
ابن قفطی، علی بن یوسف، تاریخ حکماء، تحقیق: بهین دارایی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۱ ش.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، تحقیق: علی شیری، چاپ اول: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر قرآن عظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، چاپ اول: دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن، دارالفکر، بیروت.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، دارالمعرفة، بیروت، ۱۳۹۸ ق.

ابو اسحاق عسکری، ابراهیم بن حرب، مسند ابی هريرة، چاپ اول: دار البشائر الاسلامیة، ۱۴۲۷ ق.

ابوزهره، محمد، تاریخ مذاهب اسلامی، دارالفکر العربی، قاهره، ۱۹۹۶ م.

ابوصالح حلبی، تقی بن نجم، تقریب المعارف، چاپ اول: الهادی، قم، ۱۴۰۴ ق.

اشعری، علی بن اسماعیل، الابانة عن اصول الدیانة، تحقیق: فوقیة حسین محمود، چاپ اول: دار الأنصار، قاهره، ۱۳۹۷ ق.

اقبال آشتیانی، عباس، آل نوبخت، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۳ ش.



الگود، سيريل، تاريخ پزشکی ايران و سرزمين های خلافت شرقي، ترجمه: باهر فرقانی، امير کبير، تهران، ۱۳۵۶ ش.

البانی، محمد ناصرالدين، موسوعة العلامة الامام مجدد العصر اللبناني في العقيدة، چاپ اول: مركز النعمان للبحوث والدراسات الاسلامية و تحقيق التراث و الترجمة، يمن، ۱۴۳۱ ق.

[امام عسکری، حسن بن علی؟]، التفسير المنسوب الى الامام الحسن العسكري عليه السلام، چاپ اول: مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.

امين، شريف يحيى، معجم الفرق الاسلامية، چاپ اول: دار الاضواء، بيروت، ۱۹۸۶ م. بحراني، سيد هاشم، البرهان، چاپ اول: مؤسسه بعثت، قم، ۱۳۷۴ ش.

بخاری، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى / الجامع الصحيح المختصر، تحقيق: مصطفى ديب البغا، چاپ سوم: دار ابن كثير، بيروت، ۱۴۰۷ ق.

بدر، عبدالرزاق، اثر المشهور عن الإمام مالك رحمه الله في صفة الاستواء دراسة تحليلية، الجامعة الاسلامية، مدينه، ۱۴۲۱ ق.

براون، ادوارد گرانويل، تاريخ طب اسلامي، ترجمه: مسعود رجب نيا، علمي و فرهنگي، تهران، ۱۳۷۱ ش.

بلأذرى، احمد بن يحيى، جمل من انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض الزركلي، چاپ اول: دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۷ ق.

بولتمان، رودلف، مسيح و اساطير، ترجمه: مسعود عليا، مركز، تهران، ۱۳۸۰ ش.

پژوهشكده تحقيقات اسلامي، فرهنگ شيعه، چاپ دوم: زمزم هدايت، قم، ۱۳۸۶ ش. جزايري، نعمت الله بن عبدالله، رياض الابرار في مناقب الائمة الاطهار عليهم السلام، چاپ اول: مؤسسه التاريخ العربي، بيروت، ۱۴۲۷ ق.

جوادى آملی، عبدالله، تفسير موضوعی قرآن، توحيد در قرآن، اسراء، قم، ۱۳۸۳ ش.

حسن، ماهر عبدالمحسن، جادامر مفهوم الوعي الجمالي، دار التنوير، بيروت، ۲۰۰۹ م. حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، چاپ اول: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.

حلاق قاسمی، محمد جمال الدين، محاسن التأويل، تحقيق: محمد باسل عيون السود، چاپ اول: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۸ م.

حلبی، علی اصغر، تاريخ علم کلام در ايران و جهان، چاپ دوم: اساطير، تهران، ۱۳۷۶ ش.

حلی، حسن بن يوسف، نهج الحق و كشف الصدق، چاپ اول: دار الكتاب اللبناني، بيروت، ۱۹۸۲ م.

حلی، حسن بن يوسف، رجال، چاپ دوم: الشريف الرضي، قم، ۱۴۰۲ ق.

خزعلی، ابوالقاسم، موسوعة الامام العسكري عليه السلام، چاپ اول: مؤسسه ولی عصر عليه السلام قم، ۱۴۲۶ ق.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد و ذیوله، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول: دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

دارمی سمرقندی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن دارمی (مسند الدارمی)، چاپ اول: دار المغنی للنشر والتوزیع، عربستان، ۱۴۱۲ ق.

ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم: دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۹۳ م.

ذهبی، محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، چاپ اول: دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، چاپ سوم: مؤسسه الرسالة، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

ذهبی، محمد بن احمد، عرش، تحقیق: محمد بن خلیفة بن علی التیمی، چاپ دوم: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، عربستان، ۱۴۲۴ ق.

رازی، محمد بن زکریا، قصص و حکایات المرضی، ترجمه: محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۶ ش.

زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش: علی جواهرکلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹ ش.

ساعدی، شاکر عطیه، المعاد الجسماني، چاپ اول: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة، قم، ۱۴۲۶ ق.

سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم: دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳ ش.

سیوطی، عبدالرحمن بن الکمال جلال الدین، در المنثور، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۳ م.

شبلی نعمانی، محمد، تاریخ علم کلام، ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی، چاپ اول: اساطیر، تهران، ۱۳۸۶ ش.

شوشتری، نورالله بن شریف الدین، الصوامر المهرقة في نقد الصواعق المخرقة، چاپ اول: مطبعة النهضة، تهران، ۱۳۶۷ ش.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق: محمد سید کیلانی، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

شهیدی، سید جعفر، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد عليه السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.

- صالحی نجف آبادی، نعمت الله، غلو/درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین، کویر، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، المظاهر الالهية في اسرار العلوم الكمالية، تصحيح: سيد محمد خامنه‌ای، چاپ اول: بنياد حکمت صدر، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، چاپ اول: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- صدوق، محمد بن علی، اعتقادات الامامية، چاپ دوم: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ ق.
- صدوق، محمد بن علی، التوحيد، چاپ اول: جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ ق.
- صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ دوم: دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم: اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق.
- صواف، محمد شریف عدنان، بین السنة و الشيعة، بیت الحكمة، دمشق، ۱۴۲۶ ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان في تفسير القرآن، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق.
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، چاپ اول: بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الغيبة/کتاب الغيبة للحجة، چاپ اول: دار المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، رجال، چاپ سوم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم، قم، ۱۳۷۳ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنفين و اصحاب الاصول، چاپ اول: مکتبه المحقق الطباطبائي، قم، ۱۴۲۰ ق.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، چاپ اول: دار الحديث، قم، ۱۴۲۶ ق.
- عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، مجمع علمی اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- عطاردی، عزیزالله، مسند الامام العسكري (ع)، چاپ اول: دار الصفوة، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
- علوی عاملی، میرسید محمد، علاقة التجريد، چاپ اول: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- غروی نایینی، نهل، تاریخ حدیث شیعه تا قرن پنجم، شیعه شناسی، قم، ۱۳۸۶ ش.
- فاخوری، حنا، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، چاپ دوم: کتاب زمان، تهران، ۱۳۵۸ ش.

- فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تشیع، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، ۱۳۸۷ ش.
- قاسم، اسعد وحید، حقیقة الشيعة الاثني عشرية، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم، ۱۴۲۱ ق.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، چاپ ششم: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ ق.
- قزوینی، سید محمد کاظم، الامام العسكري عليه السلام من المهد الى الوجد، فرصاد، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، چاپ اول: مؤسسه امام مهدی عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
- قلمونی حسینی، محمد رشید بن علی رضا، رسائل السنة و الشيعة، چاپ دوم: دارالمنار، قاهره، ۱۳۶۶ ق.
- قمی، عباس بن محمد رضا، الانوار البهية، ترجمه: محمد محمدی اشتهازدی، چاپ سوم: ناصر، قم، ۱۳۸۰ ش.
- کتانی، عبدالحمی، التراتیب الاداریة، تحقیق: عبدالله الخالدي، چاپ دوم: دار الازقم، بیروت.
- کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي / مع تعليقات ميرداماد الاسترآبادی، چاپ اول: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۳۶۳ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، چاپ چهارم: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- گروه مؤلفان، پیشوایان هدایت، چاپ اول: مجمع جهانی اهل بیت عليهم السلام، قم، ۱۴۲۷ ق.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، چاپ پنجم: مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، چاپ دوم: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- محمود، عبدالرحمن بن صالح، موقف ابن تیمیة من الأشاعرة، چاپ اول: مكتبة الرشد، ریاض، ۱۴۱۵ ق.
- مدرسی، محمد تقی، امامان شیعه عليهم السلام و جنبش های مکتبی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدر، تهران، ۱۳۵۸ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مفید، محمد بن محمد، الامالی، چاپ اول: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، چاپ اول: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

- منتصب مجابی، حسن، بررسی متون طب شیعه در تاریخ پزشکی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۸۵ ش.
- موحد ابطحی، حجت، آشنایی با حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، حوزه علمیه اصفهان، اصفهان، ۱۳۶۵ ش.
- موسوی زنجانی، سید ابراهیم، عقاید الامامیه الاثنی عشریه، چاپ سوم: مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
- مهریزی، مهدی، آشنایی با متون حدیث، چاپ اول: مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۷۷ ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال، چاپ ششم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم، قم، ۱۳۶۵ ش.
- نشار، علی سامی، نشأة الفكر الفلسفي في الاسلام، دار المعارف، قاهره، ۱۹۷۷ م.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، چاپ پنجم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- هاشمی، سیده فاطمه، بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، چاپ دوم: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۷ ش.
- هولت، پی. ام و دیگران، تاریخ اسلام، ترجمه: احمد آرام، چاپ نهم: امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۰ ش.

## مقالات

- پیرمردیان، مصطفی، «نقش اصحاب ایرانی امام حسن عسکری علیه السلام در علم الحدیث با تکیه بر کتب اربعه شیعه»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۱ ش.

## منابع الکترونیک

- ابن عبدالبرقرطبی، یوسف بن عبدالله، بهجة المجالس و انس المجالس، <http://www.alwaraq.net/>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۲/۱۸.
- حلی، حسن بن یوسف، منهاج الكرامة في معرفة الامامة، نسخه الکترونیك در نرم افزار المكتبة الشاملة، نسخه ۳/۵۱.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، <http://www.alwaraq.net/>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۲/۱۸.